



RESEARCH ARTICLE

Geopolitical Analysis of The Challenges And Opportunities Of Iraq's Reconstruction Emphasizing The Opportunities of Iran

Mohanad Mohammed Hasan¹, Ali Valigholizadeh^{2*}, Mahdi Karimi³

1. M.A Student of Geopolitics, Faculty of Humanities, University of Maragheh, Maragheh, Iran

Email: mohandh160@gmail.com

2. Associate Professor of Political Geography, Faculty of Humanities, University of Maragheh, Maragheh, Iran

* Corresponding Author's Email: a_valigholizadeh@maragheh.ac.ir

3. Assistant Professor of Political Geography, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran

Email: m.karimi@ihcs.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.103605>

Received: 2 May 2025

Accepted: 21 June 2025

ABSTRACT

The US attack, the emergence of ISIS and internal conflicts in Iraq have led to the death and injury of thousands of people, the displacement of millions of people, and billions of dollars in damage to different parts of this country. Based on this, this article using descriptive-analytic method investigates the following question: "what opportunities and threats does the geopolitics of this country provide for the reconstruction of Iraq and what are Iran's opportunities in this relation?" This article discusses that geopolitics of Iraq has simultaneously created opportunities and challenges for the reconstruction of this country and geopolitical opportunities and international cooperation can pave the way to realize a sustainable and developed future for Iraq. Finally, this article has presented some suggestions to prevent the irreparable saturation of the aforementioned challenges in Iran's neighborhood and to take advantage of existing opportunities, in accordance with a complete understanding of the field realities of Iraq that could pave the way for Iran's presence in the reconstruction of Iraq and the use of its opportunities.

Keywords: Geopolitics; Iraq; Iran; Reconstruction; Opportunities and Challenges.

Citation: Mohammed Hasan, Mohanad; Valigholizadeh, Ali; Karimi, Mahdi (2025). Geopolitical Analysis of The Challenges And Opportunities Of Iraq's Reconstruction Emphasizing The Opportunities of Iran. *Iranian Journal of Public Policy*, 11 (3), 189-209.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.103605>

Published by University of Tehran



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله پژوهشی

تحلیل ژئوپلیتیکی چالش‌ها و فرصت‌های بازسازی عراق با تأکید بر فرصت‌های ایران

مهند محمد حسن^۱، علی ولیقلی‌زاده^{۲*}، مهدی کریمی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد ژئوپلیتیک، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران

رایانامه: mohandh160@gmail.com

۲. دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران

* رایانامه نویسنده مسئول: a_valigholizadeh@maragheh.ac.ir

۳. استادیار جغرافیای سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

رایانامه: m.karimi@ihcs.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.103605>

تاریخ دریافت: ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۳۱ خرداد ۱۴۰۴

چکیده

حمله آمریکا، ظهور داعش و منازعات داخلی در عراق منجر به کشته و مجروح شدن هزاران نفر، پناهندگی میلیون‌ها نفر و میلیاردها دلار خسارت به بخش‌های مختلف این کشور شد. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این سؤال می‌پردازد که ژئوپلیتیک عراق چه چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای بازسازی این کشور فراهم می‌کند و فرصت‌های ایران در این زمینه کدام‌اند؟ مقاله حاضر بحث می‌کند، ژئوپلیتیک عراق به‌طور هم‌زمان چالش‌ها و فرصت‌های متعددی را برای بازسازی این کشور به همراه دارد که می‌توان با بهره‌گیری از فرصت‌های ژئوپلیتیکی و همکاری‌های بین‌المللی به تحقق آینده‌ای پایدار برای عراق امیدوار بود. این مقاله در پایان برای جلوگیری از اشیاع جبران‌ناپذیر چالش‌های مذکور در همسایگی ایران و استفاده از فرصت‌های موجود، مطابق با فهم کامل از واقعیت‌های میدانی عراق، پیشنهادهایی را مطرح کرده است که می‌توانند برای حضور ایران در بازسازی عراق و استفاده از فرصت‌های آن راهگشا باشند.

واژگان کلیدی: عراق، ایران، بازسازی، تبیین ژئوپلیتیکی، چالش‌ها و فرصت‌ها.

استناد: محمد حسن، مهند؛ ولیقلی‌زاده، علی؛ کریمی، مهدی (۱۴۰۴). تحلیل ژئوپلیتیکی چالش‌ها و فرصت‌های بازسازی عراق با تأکید بر فرصت‌های ایران. فصلنامه سیاستگذاری عمومی، ۱۱ (۳)، ۱۸۹-۲۰۹.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.103605>



ناشر: دانشگاه تهران

مقدمه

در طول دو دهه گذشته، عراق تحت تأثیر چندین موج درگیری و خشونت قرار گرفته است. تهاجم سال ۲۰۰۳ به عراق توسط ائتلاف چندملیتی به رهبری ایالات متحده و بریتانیا، رژیم بعث صدام حسین را سرنگون کرد. حمله آمریکا به عراق سال‌ها آشوب و جنگ داخلی را آغاز کرد، زیرا گروه‌های مسلح مختلف برای کسب قدرت و قلمرو با هم رقابت کردند و نیروهای ائتلاف و ارتش نوظهور بعث عراق را هدف قرار دادند. همچنین، دوره آرامش نسبی در اوایل دهه ۲۰۱۰ با ظهور گروه افراطی دولت اسلامی شکسته شد (Fazil & Tartir, 2023). در حقیقت علاوه بر خرابی‌های گذشته، مجدداً در ژوئن ۲۰۱۴، عراق با یک شکست امنیتی دیگر مواجه شد که منجر به تصرف استان‌های نینوا، صلاح‌الدین و الانبار - حدود یک‌سوم خاک عراق توسط گروه خودخوانده دولت اسلامی در عراق و سوریه (داعش) شد. در عرض چند هفته، داعش در شش استان حضور پیدا کرد و شعار آن «ماندن و گسترش» به یک سری دستاوردها تبدیل شد. ارتش عراق ذوب شد و تجهیزات نظامی پیشرفته‌ای را برای آن‌ها به‌جای گذاشت. میلیون‌ها عراقی آواره شده برای نجات جان خود به مناطق امن‌تر فرار کردند و یا تعداد ناشناخته‌ای به قتل رسیدند یا به بردگی گرفته شدند. طی دو سال و نیم، این سه استان عراق و سایر مناطق استان‌های مجاور به میدان‌های جنگ خونین تبدیل شدند. داعش که بخش‌های زیادی از کشور را اشغال کرده بود نهایتاً با حمایت جمهوری اسلامی ایران از عراق شکست خورد و حیدر العبادی، نخست‌وزیر سابق عراق، پیروزی بر داعش و آزادسازی تمامی مناطق از دست رفته را در ۹ دسامبر ۲۰۱۷ اعلام کرد. در مجموع جنگ مارس ۲۰۰۳ آمریکا علیه عراق، ظهور داعش و بحران‌ها و نزاع‌های داخلی در عراق به کشته و مجروح شدن هزاران نفر، آوارگی و پناهندگی میلیون‌ها نفر و میلیاردها دلار خسارت به بخش‌های اجتماعی، تولیدی، مالی و بانکی و بخش‌های زیربنایی این کشور منجر شد؛ به نحوی که بسیاری از زیرساخت‌های حیاتی این کشور از بین رفت. حال پس از زنجیره مخرب و گسترده بحران‌های مذکور، عراق در حال خروج از مخرب‌ترین دوران خشونت و منازعات تاریخ معاصر خود است و سعی دارد تا با اتخاذ برنامه‌های بازسازی و ایجاد ثبات در مناطق و بخش‌های آسیب‌دیده، وضعیت کشور را به حالت عادی بازگرداند. عراق با چالش‌های متعددی همچون نابودی زیرساخت‌های شهری، بی‌کاری، فساد گسترده و کمبود خدمات اساسی مانند برق، آب و بهداشت روبروست. بسیاری از شهرها به‌ویژه در مناطق جنگ‌زده مانند موصل و فلوجه، نیازمند بازسازی کامل هستند. گزارش‌های سازمان ملل متحد و بانک جهانی (۲۰۱۸) نیز نشان می‌دهند که بازسازی عراق به میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد. امروزه عراق در وضعیت حساسی قرار دارد که نیازمند بازسازی گسترده است؛ یعنی علاوه بر زیرساخت‌های فیزیکی، به‌شدت به بازسازی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز نیاز دارد. گزارش بانک جهانی (۲۰۱۸) در مورد «بازسازی و سرمایه‌گذاری در عراق» که با همکاری دولت عراق تهیه شده است هزینه بازسازی لازم برای استان‌هایی که به‌صورت مستقیم تحت تأثیر جنگ بوده‌اند را حدود ۸۸ میلیارد دلار تخمین می‌زند؛ اما مقامات وقت دولت عراق همچون حیدر العبادی نخست‌وزیر عراق هزینه بازسازی مناطق آسیب‌دیده را بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار اعلام کرده بودند. بنابراین احیا و بازسازی عراق یکی از ضرورت‌ها و مسئولیت‌های مهم ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌رود که عدم توجه به بازسازی هر چه سریع‌تر این کشور می‌تواند باعث ظهور و تشدید مجدد خشونت‌ها و تسری مشکلات امنیتی، مسائل زیست‌محیطی، بیکاری، بیماری‌های واگیردار و غیره این کشور به مناطق و کشورهای همجوار شود. این موضوع توجه بسیاری از کشورهای مختلف را به خود جلب کرده است خصوصاً جمهوری اسلامی ایران که منافع ژئوپلیتیکی، اقتصادی، سیاسی - امنیتی و استراتژیکی متعددی با این کشور دارد. تجارب جهانی نیز نشان می‌دهد که دوران بازسازی، دشوارترین مرحله حیات سیاسی یک کشور جنگ‌زده است و عبور از این دوران خطرناک به شناخت دقیق محیط ژئوپلیتیکی داخلی و بین‌المللی هر کشور نیاز دارد. درواقع عراق نیز با داشتن موقعیت و ویژگی‌های حساس ژئوپلیتیکی (Alavipour, 2009; Jafari Valdani, 2010; Jafarinia et al., 2023)، چالش‌ها و فرصت‌های متعددی برای بازسازی دارد که در این تحقیق سعی می‌شود در چارچوب تبیین و تحلیل ژئوپلیتیکی، فرصت‌ها و چالش‌های بازسازی عراق مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب مفهومی تحقیق

ژئوپلیتیک تعاملات میان جغرافیا و تاریخ، هویت فرهنگی و الزامات و محدودیت‌های خاص آن را مورد بررسی قرار می‌دهد (Geopolitical Futures, 2024). در سطح روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک روشی برای بررسی سیاست خارجی است که به تحلیل، تبیین و پیش‌بینی رفتار سیاسی بین‌المللی از طریق متغیرهای جغرافیایی می‌پردازد. این متغیرها شامل عوامل مختلفی چون سرزمین، اقلیم، توپوگرافی، فرهنگ، اقتصاد، جمعیت، هویت، قومیت، منابع طبیعی و غیره هستند (Evans, 1998). با این حال، در حال حاضر این اصطلاح برای توصیف طیف گسترده‌ای از مفاهیم و به‌طور کلی «مترادف با روابط سیاسی بین‌المللی» و خصوصاً «برای تبیین ساختار جهانی روابط مذکور» مورد استفاده قرار می‌گیرد (Gogwilt, 2000; Ditter & Sharp, 2014; Deudney, 2000). به‌طور کلی، تحلیل و تبیین ژئوپلیتیکی را می‌توان چارچوبی در نظر گرفت که به ما کمک می‌کند تا ارتباطات پیچیده بین ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و جغرافیایی جهان پیرامون خود را دریابیم. برای کشورهای مختلف و دولتمردان، درک این نیروها برای عبور از چالش‌های موجود و استفاده از فرصت‌های پیش‌رو ضروری است. تحلیلگران ژئوپلیتیکی بررسی می‌کنند که چگونه نیروهای گسترده بر توانایی یک کشور در واکنش به شرایط موجود و کاهش خطرات تأثیر می‌گذارند. آن‌ها همچنین نحوه تعامل یک کشور با همسایگان و نیروهای سیاسی، نظامی و اقتصادی جهانی را تحلیل می‌کنند. با استفاده از این اطلاعات، تحلیلگران ژئوپلیتیکی می‌توانند روندهای آینده یک کشور را بر اساس این عوامل درک و حتی پیش‌بینی کنند. با فهم ژئوپلیتیکی عوامل تأثیرگذار، در واقع آن‌ها قادرند بینش‌های ارزشمندی درباره پیامدهای رویدادهای جاری و آتی ارائه دهند. از سوی دیگر، به دلیل ماهیت ناپایدار روندهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی، محیط بین‌المللی دائماً در حال تغییر است و روندهایی چون کشمکش‌های سیاسی، جنگ و تروریسم، رقابت، گسترش ناامنی، تغییرات اقلیمی، رشد اقتصادهای بازاری نوظهور، جهانی‌شدن و حتی افزایش پوپولیسم و رواج جنگ روانی و غیره بر گستره تهدیدات و فرصت‌هایی که کشورها و بازیگران اقتصادی و سرمایه‌گذاران با آن روبرو هستند تأثیر می‌گذارد. بنابراین، تحلیل و تبیین ژئوپلیتیکی کار پیچیده‌ای است و تحلیلگران ژئوپلیتیکی همواره باید تلاش کنند تا دانش خود را در مورد روندهای مورد بحث به‌روز کنند و در نتیجه دقیق‌ترین و جدیدترین تبیین‌ها را ارائه دهند. با درک عمیق عوامل ژئوپلیتیکی موجود، تحلیلگران ژئوپلیتیکی قادر خواهند بود بینش ارزشمندی در مورد تأثیرگذاری و تأثیرپذیری تحولات سیاسی - اقتصادی یک کشور ارائه دهند. آن‌ها می‌توانند نشان دهند که چگونه رویدادهای متفاوتی با یکدیگر مرتبط هستند و حتی به‌طور پیچیده‌ای از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و چگونه این ارتباطات ممکن است در طول زمان تغییر کند. با استفاده از تجزیه و تحلیل اطلاعات ژئوپلیتیکی می‌توان اثرات رویدادهای جاری بر آینده یک کشور خاص را مورد ارزیابی قرار داد. تحلیلگران ژئوپلیتیکی با بررسی تاریخچه، وضعیت فعلی و روندهای حاکم بر یک کشور در داخل و خارج از آن، از اطلاعات موجود برای تبیین و تبیین این اثرات استفاده می‌کنند. با درک وضعیت گذشته و حال یک کشور، برای تحلیلگران ژئوپلیتیکی تبیین و پیش‌بینی وضعیت آینده آن کشور امکان‌پذیر می‌شود. در یک جهان ناپایدار، تحلیل و تبیین ژئوپلیتیکی نقش مهمی را در کمک به کشورها و بازیگران اقتصادی در تصمیم‌گیری برای تخصیص منابع سیاسی و اقتصادی خود ایفا می‌کند. تحلیل ژئوپلیتیکی بینش‌های خاصی را در مورد مسائل پیچیده‌ای که باعث تغییر و تحول در سیاست جهانی هستند ارائه می‌دهد. با این حال، هر نوع تحلیل ژئوپلیتیکی را نمی‌توان دقیق دانست. معیار ارزشمند بودن تحلیل و تبیین ژئوپلیتیکی با میزان دقیق و موثق بودن اطلاعات ژئوپلیتیکی ارتباط دارد. در تحلیل‌های ژئوپلیتیکی سعی می‌شود چالش‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیکی مورد تبیین قرار گیرد. چالش ژئوپلیتیکی به ریسک‌های ناشی از رویدادهای سیاسی یا اجتماعی گفته می‌شود که به‌طور جدی موقعیت کشور را در ابعاد مختلف یا فرصت‌های سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف آن را تحت تأثیر قرار دهد. معمولاً چالش‌های ژئوپلیتیکی همواره وجود دارند، ولی پیش‌بینی و مدیریت آن‌ها دشوار است. روش‌های مختلفی برای تبیین و مدیریت چالش‌های ژئوپلیتیکی وجود دارد. یکی از روش‌های رایج، تبیین چالش‌های موجود در ابعاد مختلفی چون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. این امر ضمن شناسایی ابعاد ریسک‌پذیر و پرچالش، به کشورها کمک کند تا اقداماتی را برای اجتناب یا کاهش چالش‌های موجود انجام دهند. با درک چالش‌های موجود در یک کشور معین،

خصوصاً کشوری مثل عراق که گرفتار انواع چالش‌های امنیتی است، کشورها و سرمایه‌گذاران می‌توانند تصمیمات آگاهانه‌ای در مورد سرمایه‌گذاری برای بازسازی این کشور بگیرند. حتی برخی از کشورها ممکن است تصمیم بگیرند از سرمایه‌گذاری در این کشور خودداری کنند. ریسک ژئوپلیتیکی پدیده‌ای پیچیده و دائماً در حال تغییر است، ولی درک آن برای حفاظت از منافع کشورها و سرمایه‌گذاران در دنیایی که درهم‌تنیدگی فزاینده‌ای بر آن حاکم است ضروری است. از سوی دیگر، رویدادهای ژئوپلیتیکی ممکن است در کنار خطرات و چالش‌هایی که با آن همراه هستند، فرصت‌هایی نیز ایجاد کنند. کشورها و سرمایه‌گذاران می‌توانند با درک چالش‌های موجود از طریق تحلیل‌های ژئوپلیتیکی تصمیمات آگاهانه بگیرند تا با شناسایی فرصت‌های موجود بهترین منافع را برای خود کسب کنند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات نیز از نوع کتابخانه‌ای و اسنادی است. در این تحقیق، از استدلال و تحلیل کیفی اطلاعات موجود استفاده شده است. به‌طور کلی در مورد بازسازی عراق به‌ویژه در خصوص چالش‌ها و فرصت‌های بازسازی آن پژوهش خاصی در ادبیات داخلی وجود ندارد و این تحقیق سعی دارد در چارچوب تبیین و تحلیل ژئوپلیتیکی، فرصت‌ها و چالش‌های بازسازی عراق را مورد بررسی قرار دهد.

یافته‌های تحقیق

زیان‌های اقتصادی عراق

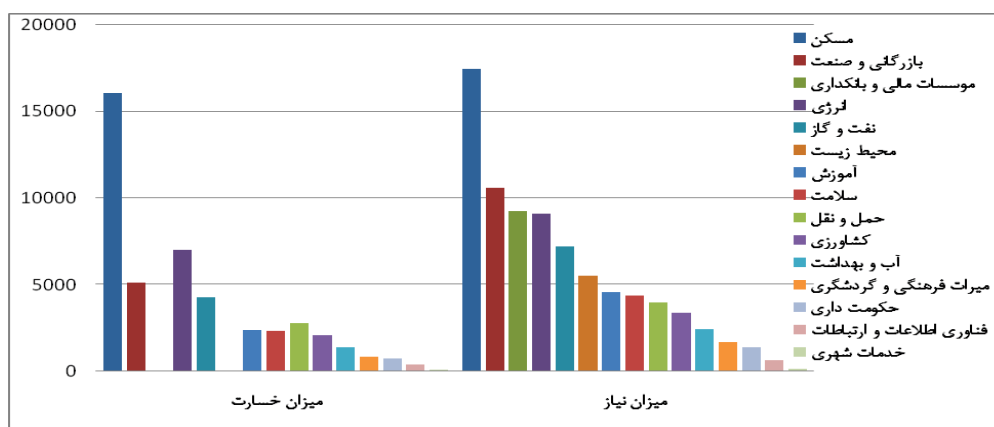
گروه بانک جهانی (۲۰۱۸) در گزارش خود میزان خسارت کلی در ۷ استان عراق را که تحت تأثیر مستقیم جنگ بودند حدود ۴۵/۷ میلیارد دلار برآورد کرده است. طبق این گزارش مقدار تولید ناخالص داخلی غیرنفتی از دست‌رفته عراق تا سال ۲۰۱۷ برابر است با ۱۰۷ میلیارد دلار که این رقم معادل ۷۲ درصد تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۱۳ و ۱۴۲ درصد تولید ناخالص داخلی غیرنفتی در سال ۲۰۱۳ (با فرض افزایش تولید ناخالص داخلی غیرنفتی با نرخ رشد پیش از جنگ) است. بخشی که بیشترین میزان خسارات را در طول جنگ دیده است، بخش مسکن و ساختمان با میزان ۱۶ میلیارد دلار زیان است. از دیگر بخش‌هایی که بیشترین تأثیر را از جنگ پذیرفته‌اند، می‌توان به آموزش و بهداشت اشاره کرد که به ترتیب ۲/۴ و ۲/۳ میلیارد دلار خسارت دیده‌اند. صنعت و بازرگانی و کشاورزی در میان بخش‌های تولیدی، بیشترین خسارت را دیده‌اند. میزان خسارت این دو بخش، به ترتیب ۵/۱ و ۲/۱ میلیارد دلار تخمین زده شده است. در میان بخش‌های زیربنایی نیز میزان خسارت در بخش‌های برق و نفت و گاز بالاترین حجم خسارات بوده است که رقم آن به ترتیب برابر با ۷ میلیارد دلار و ۴/۳ میلیارد دلار تخمین زده شده است. همچنین، میزان کلی نیازهای بازسازی عراق از سوی دولت این کشور و گروه بانک جهانی، ۸۸/۲ میلیارد دلار برآورد شده است که از مجموع این رقم، در کوتاه‌مدت (دوره یک‌ساله)، ۲۲/۹ میلیارد دلار آن دارای فوریت است، و مابقی آن (۶۵/۴ میلیارد دلار) در میان‌مدت (۲ الی ۵ سال) مورد نیاز است. از این رقم، ۱۷/۴ میلیارد دلار فقط برای بازسازی بخش مسکن و ساختمان مورد نیاز است. در بخش‌های صنعت، تجارت و بازارها که در میان بخش‌های تولیدی بیشترین نیاز را برای بازسازی دارند به ترتیب برابر است با ۱۰/۶ و ۹/۳ میلیارد دلار و در بخش‌های زیربنایی شامل: برق، نفت و گاز به ترتیب ۹/۱ و ۷/۲ میلیارد دلار تخمین زده شده است. جدول یک میزان خسارت‌ها و منابع مالی موردنیاز جهت بازسازی را به تفکیک بخش‌های مختلف نشان می‌دهد.

جدول ۱ - میزان خسارات و نیازها در بخش‌های مختلف (به میلیون دلار)

بخش	میزان خسارت	میزان منابع موردنیاز	سهم از کل نیازهای موجود	بخش	میزان خسارت	میزان منابع موردنیاز	سهم از کل نیازهای موجود
مسکن	(۱۶۰۷۷)	(۱۷۴۴۱)	۱۹٫۸	نفت و گاز	(۴۲۶۲)	(۷۲۰۹)	۸٫۲
سلامت	(۲۳۲۴)	(۴۳۶۵)	۴٫۹	فناوری اطلاعات و ارتباطات	(۴۰۰)	(۶۴۴)	۰٫۷

آموزش	(۲۳۶۹)	(۴۵۶۱)	۵,۲	حمل و نقل	(۲۷۹۴)	(۳۹۶۰)	۴,۵
میراث فرهنگی و گردشگری	(۸۵۸)	(۱۷۱۶)	۱,۹	آب و بهداشت	(۱۳۷۵)	(۲۴۴۲)	۲,۸
کشاورزی	(۲۰۸۰)	(۳۳۹۳)	۳,۸	خدمات شهری	(۸۸)	(۱۲۶)	۰,۱
بازرگانی و صنعت	(۵۱۰۷)	(۱۰۵۸۰)	۱۲	حکومت داری	(۷۵۴)	(۱۳۷۰)	۱,۶
مؤسسات مالی و بانکداری	(۵۲)	(۹۲۵۴)	۱۰,۵	محیط زیست	(۷۳)	(۵۴۹۸)	۶,۲
انرژی	(۷۰۰۹)	(۹۱۱۲)	۱۰,۳	جمع کل	(۴۵۷۳۷)	۸۸۲۴۸	۱۰۰

منبع: (World Bank, 2018)



منبع: (World Bank, 2018)

شکل ۱ - میزان خسارات وارده و نیازها به تفکیک بخش‌های مختلف

مهم‌ترین چالش‌های بازسازی عراق

– **چالش‌های زیرساختی و مالی:** یکی از بزرگ‌ترین تنگناهای بازسازی عراق، نابودی و تخریب زیرساخت‌های حیاتی این کشور است. در واقع پس از جنگ‌های متعدد، بسیاری از شهرها و مناطق عراق با ویرانی‌های گسترده مواجه شده‌اند. برای نمونه، شهر موصل که یکی از مراکز مهم تجاری و فرهنگی عراق شناخته می‌شد، در جریان جنگ با داعش شدیداً تخریب شد. بنابراین یکی از اولویت‌های اصلی عراق در فرآیند بازسازی، ایجاد زیرساخت‌های کارآمد است. این شامل بازسازی بیمارستان‌ها، مدارس، پل‌ها، جاده‌ها و نیروگاه‌ها می‌شود (UNDP, 2017). با این وجود، بازسازی زیرساختی عراق به منابع مالی هنگفتی نیاز دارد. درآمد فعلی عراق زیر ۱۰۰ میلیارد دلار است که کفاف هزینه‌های عملیاتی و جاری دولت را نمی‌کند. به منظور پرداخت هزینه بازسازی و ایجاد یک اقتصاد پویا، عراق باید درآمد سالانه خود را تا سال ۲۰۳۰ به ۵۰۰ میلیارد دلار افزایش دهد. اگرچه این یک هدف بلندپروازانه است، اما اگر چندین بخش نظیر کشاورزی، گردشگری، تجارت، حمل و نقل و خدمات در این کشور فعال شوند، این امر دور از ذهن نخواهد بود (Kadhim, 2019). از سوی دیگر، اقتصاد عراق وابستگی شدیدی به صادرات نفت دارد که آن را در برابر نوسانات جهانی قیمت نفت آسیب‌پذیر کرده است (Al-Khatteeb & Mako, 2021). این موضوع برنامه‌ریزی بلندمدت برای بازسازی را دشوار می‌کند و از سوی دیگر با کاهش قیمت جهانی نفت مانند آنچه در ۲۰۲۰ اتفاق افتاد و دولت از تأمین خدمات اساسی و پرداخت حقوق‌ها ناتوان بود، روند بازسازی را بسیار آسیب‌پذیر و غیرممکن می‌سازد. عراق با وجود داشتن ذخایر بزرگ گاز طبیعی، در حال حاضر به واردات گاز از ایران متکی است. آشفته‌گی‌های سیاسی و اقتصادی چند سال گذشته در عراق سرمایه‌گذاری در ظرفیت جداسازی و فرآوری گاز از میادین نفتی عراق را متوقف کرده است. این امر باعث می‌شود که عراق همچنان به واردات گاز و برق ایران وابسته باشد. این وضعیت نشانگر پیچیدگی چالش‌های امنیتی و شکست حکومت عراق است.

که به شیوه‌های پیچیده‌ای با اقتصاد نفتی، پویایی‌های پرآشوب منطقه‌ای و مسائل زیست‌محیطی ارتباط دارند (Fazil & Tartir, 2023). علاوه بر این، در بحث جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز، فساد گسترده در دستگاه‌های دولتی و بوروکراسی ناکارآمد از دیگر مشکلات اقتصادی عراق است که مانع جذب این سرمایه‌ها می‌شود (Dodge, 2020).

– **چالش‌های اجتماعی:** علاوه بر بازسازی زیرساختی و اقتصادی، عراق از چالش‌های اجتماعی و انسانی گسترده‌ای رنج می‌برد که بازسازی عراق ابتدا نیاز به گذر از آن‌ها دارد. بدون تردید خشونت و خونریزی موجب ترس، بی‌اعتمادی و گسستگی اجتماعی می‌شود و التیام این زخم‌ها و عادی‌سازی روابط اجتماعی فروریخته نیازمند گذر زمان است. گزارش ۲۰۲۰ سازمان بین‌المللی مهاجرت، تعداد آوارگان داخلی عراق را بیش از ۱/۳ میلیون نفر اعلام کرده است که نیاز به حمایت‌های فوری اجتماعی و اقتصادی دارند (IOM, 2020). این آوارگی گسترده علاوه بر ایجاد اختلال در زندگی فردی مردم، باعث شده تا بازسازی اجتماعی و بازگشت آوارگان به مناطق زندگی خود به یکی از اولویت‌های اصلی بازسازی عراق تبدیل شود. خصوصاً آوارگان عراقی برای بازگشت با چالش‌های دیگری نیز مانند کمبود مسکن، فقدان خدمات اساسی مانند آب و برق، ناامنی عمومی و تخریب بسیاری از زیرساخت‌های اجتماعی مانند مدارس و مراکز بهداشتی مواجه هستند که نیاز به بازسازی گسترده دارند (UNDP, 2017). در بُعد اجتماعی، دیگر چالش بزرگ جامعه عراق، از بین رفتن اعتماد عمومی در کشور است. در بسیاری از موارد، مردم عراق در امتداد خطوط طرفدار داعش و ضد داعش تقسیم شده‌اند که این باعث شکاف‌های عمیق اجتماعی در سیستم قبیله‌ای ریشه‌دار عراق شده است. بسیاری از مردم عراق قادر به توضیح این نیستند که چرا با ورود گروه تروریستی داعش همه چیز به هم ریخت و چرا همسایگانشان علیه آن‌ها روی آوردند. این روابط به‌طور خودکار به وضعیت قبل از درگیری بازمی‌گردند. این جوامع برای التیام و به دست آوردن مجدد مدارا و همزیستی متقابل نیاز به تلاش‌های صلح‌سازی گسترده دارند. لذا بازسازی عراق نیازمند اقدامات عملی برای آشتی ملی در این کشور است. تاکنون، رهبران عراقی آشتی را در شکل سیاسی آن درک کرده‌اند، اما از نیاز فوری برای انجام آشتی اجتماعی غفلت کرده‌اند. معاملات سیاسی بین نخبگان و توزیع انتصابات در سطوح بالا شاید نخبگان سیاسی سرخورده و رأی‌دهندگان آن‌ها را آرام کند، ولی قطعاً یک استراتژی بلندمدت برای صلح‌سازی پایدار و جمعی در این کشور نخواهد بود. تا وقتی اقبال وسیعی از مردم در فقر زندگی می‌کنند و آمیدی به آینده مرفه ندارند، همیشه فرصتی برای کسانی وجود خواهد داشت که از ترس و کینه خود برای عبور از دالان‌های سیاسی حکومت سوءاستفاده کنند. آشتی واقعی باید با کاهش نارضایتی جوامع عراقی و به دست آوردن آن‌ها با حکمرانی خوب، فرصت‌های اقتصادی فراوان و حاکمیت قانون آغاز شود. برای تحقق این اهداف، عراق نیازی به اختراع مجدد چرخ آشتی ندارد. برای گذر از گسل‌های بی‌اعتمادی، لازم است بسترهای اجتماعی طوری بازسازی شوند که همه شهروندان عراق، صرف‌نظر از هویت قومی یا فرقه‌ای احساس کنند در کشور سهمی دارند و باید فساد گسترده‌ای که مانع اعتماد، بازسازی و حکمرانی مؤثر می‌شود از بین برود (Eriksson & Khaleel, 2018).

– **چالش‌های سیاسی و امنیتی:** عراق همچنین با بحران‌های سیاسی و امنیتی فراوانی روبروست که این وضعیت شکننده، مانع بزرگی برای بازسازی و جذب سرمایه‌گذاران خارجی است. از زمان سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳، عراق همواره با عدم ثبات سیاسی مواجه بوده است. نظام سیاسی جدید عراق که از تقسیم‌بندی قومی و مذهبی تبعیت می‌کند، باعث شده تا گروه‌های مختلف سیاسی و قومی همواره برای کسب قدرت با یکدیگر رقابت کنند (Dodge, 2020). این رقابت‌ها علاوه بر بروز درگیری‌های داخلی و تضعیف نهادهای دولتی، باعث گسترش فساد در دستگاه‌های دولتی بوده است. همچنین، ظهور و فعالیت گروه‌های تروریستی مانند داعش و پ‌ک‌ک در بخش‌های گسترده‌ای از عراق، تهدیدات امنیتی جدی برای این کشور ایجاد کرده است. هرچند که داعش به‌طور رسمی در سال ۲۰۱۷ شکست خورد، ولی هسته‌هایی از این گروه همچنان در برخی مناطق عراق فعالیت می‌کنند که تهدید بزرگی برای ثبات کشور هستند (Al-Khatteeb & Mako, 2021).

– **چالش‌های الگوی پخش جمعیت:** الگوی پخش جمعیت نقشی اساسی در تحلیل ژئوپلیتیکی تعاملات جمعیتی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای مختلف دارد و به راحتی می‌توان اثرات آن را بر توزیع ثروت، ساختار قدرت و مسائل امنیتی مشاهده کرد (Agnew, 2003). به همین دلیل، الگوی پخش جمعیت در بازسازی کشورهایی که گرفتار بحران‌های سیاسی و امنیتی هستند از

اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. معمولاً تمرکز جمعیت در مناطق خاصی باعث تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی در آن مناطق و در حاشیه ماندن مناطق دیگر و تضعیف سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن‌ها می‌شود (Smith, 2013). در واقع توزیع نامتوازن جمعیت نقش بسیار مهمی در ایجاد نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی را تشدید می‌کند (Ratzel, 1897). در کشور چندقومیتی عراق، الگوی پخش جمعیت بسیار ناهمگون است. بخش عمده‌ای از جمعیت در مناطق شهری مانند بغداد، بصره و موصل متمرکز هستند. بغداد بیشترین جمعیت را دارد و مرکز اصلی تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی کشور است (Al-Hadithi & Skelton, 2007). به خاطر این تمرکز جمعیتی که در تمرکز امکانات زیرساختی، خدمات و فرصت‌های شغلی بیشتر ریشه دارد، این مناطق در گستره سیاست‌های ملی از نفوذ و اثرگذاری بالایی برخوردار هستند. از سوی دیگر، مناطق غربی عراق مانند استان‌های انبار و نینوا جمعیت کمی دارند و به دلیل شرایط طبیعی سخت و محدودیت‌های زیرساختی، از توسعه اقتصادی و اجتماعی کمتری برخوردار هستند. این مناطق خصوصاً در سال‌های اخیر، به دلیل ناآرامی‌های امنیتی-نظامی و فعالیت‌های گروه‌های تروریستی مانند داعش، دچار نابسامانی‌های اقتصادی و امنیتی شده و بیشترین آسیب‌های اقتصادی-اجتماعی را متحمل شده‌اند (Ibrahim, 2014). حتی می‌توان گفت که عدم توجه به بازسازی این مناطق در طول دهه‌های گذشته باعث شده است این مناطق به کانون عمده ناآرامی‌ها و تحریکات امنیتی تبدیل شوند. در واقع این مناطق مراکز اصلی فعالیت‌های گروه‌های تروریستی هستند که از نارضایتی‌های محلی و کمبود فرصت‌های اقتصادی برای جذب نیروهای خود بهره می‌گیرند (Kahl, 2006). به همین دلیل، از دیدگاه الگوی پخش جمعیت، بازسازی عراق نیازمند توجه کافی اقتصادی و امنیتی به مناطق محروم و کم‌جمعیت است تا تعادل بیشتری در توزیع ثروت و خدمات در جغرافیای نامتوازن اقتصادی و اجتماعی عراق ایجاد شود (Anderson & Stansfield, 2004). از سوی دیگر، یکی از نتایج شوم ناآرامی‌ها و جنگ‌های داخلی در عراق، مهاجرت گسترده داخلی است. در واقع افراد زیادی به دلیل مسائل امنیتی و اقتصادی از پیرامون ناامن به کلان‌شهرهای عراق مهاجرت کرده‌اند که نتیجه آن را می‌توان در ایجاد اختلال روزافزون در الگوی توزیع جمعیت، یعنی افزایش جمعیت در کلان‌شهرها و فشار افزون بر زیرساخت‌های شهری مشاهده کرد. در چارچوب بازسازی عراق، توجه به مهاجران داخلی و بازگشت این افراد به مناطق اصلی زندگی‌شان می‌تواند در توزیع عادلانه‌تر جمعیت و توسعه مناطق روستایی و حاشیه‌ای مؤثر واقع شود (UNHCR, 2019).

– **چالش‌های ساختار جمعیتی عراق:** ساختار جمعیتی بر پویایی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور بسیار اثرگذار هستند. ساختار جمعیتی معمولاً در ویژگی‌های سنی، جنسیتی و قومی-مذهبی جمعیت خلاصه می‌شود. ویژگی‌های مذکور در تعیین نیازهای توسعه، امنیتی و اقتصادی نقش مهمی دارند و نمی‌توان چنین ویژگی‌هایی را در استراتژی‌های بازسازی عراق نادیده گرفت (Cincotta et al., 2003). عراق کشوری با جمعیتی جوان است و بیش از نیمی از جمعیت این کشور زیر ۳۰ سال سن دارند (World Bank, 2020). این جوانی جمعیت هم یک فرصت و هم یک چالش برای بازسازی عراق است. از یک‌سو، جمعیت جوان نیروی کار فراوانی برای رونق اقتصادی و بازسازی کشور فراهم می‌کند. ولی از سوی دیگر، نرخ بالای بیکاری جوانان و نبود فرصت‌های شغلی مناسب نقش بارزی در ایجاد نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی دارد (Jabar, 2016). لذا یکی از راهبردهای کلیدی در بازسازی عراق، ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان است. این امر ضمن کمک به توسعه اقتصادی کشور، از بروز ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی نیز جلوگیری می‌کند. در کشوری مانند عراق که منابع طبیعی غنی دارد، می‌توان از قدرت انگیزشی جمعیت جوان برای رشد اقتصادی استفاده کرد. باین‌حال، اگر سیاست‌های مناسبی برای ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه اقتصادی اتخاذ نشود، این جمعیت ممکن است به‌جای نیروهای مولد اقتصادی، به نیروهای معترض و مخالف تبدیل شود (Beehner, 2007). یادآور می‌شود که در کشور عراق، نبود برنامه‌های منسجم توسعه اقتصادی و مشکلات ساختاری در بازار کار، باعث افزایش بیکاری و مهاجرت جوانان بوده است. از سوی دیگر، در کشور عراق با وجود شرایط جنگ و ناآرامی‌های متعدد داخلی، نرخ رشد جمعیت همچنان بالاست و این موضوع چالش‌های جدیدی را در حوزه تأمین زیرساخت‌های آموزشی، بهداشتی و مسکن ایجاد کرده است (Al-Khafaji, 2005) که نیاز به سرمایه‌گذاری‌های گسترده در حوزه توسعه زیرساخت‌های اساسی و

خدمات عمومی دارد. همچنین، جنگ‌های متوالی و ناآرامی‌های داخلی تأثیرات زیادی بر ساختار جنسیتی جمعیت عراق داشته‌اند. با توجه به تلفات جنگی، نسبت جمعیت مردان به زنان در برخی مناطق عراق کاهش یافته است (Fisk, 2016). این وضعیت در مناطق جنگ‌زده و ناامن، به‌ویژه در استان‌های نینوا و الانبار، بیشتر مشهود است. افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار و کاهش تعداد مردان در سنین کار از جمله نتایج این تغییرات است. به‌طوری که بسیاری از زنان به سرپرست خانوار تبدیل شده‌اند و به‌ویژه در مناطق روستایی و محروم، نقش اصلی در تأمین معیشت خانواده‌ها دارند (Ismael & Ismael, 2015). مسلماً مشارکت زنان در فرآیندهای بازسازی و توسعه اقتصادی باعث تقویت ثبات اجتماعی و ایجاد تغییرات مثبت در جامعه عراق خواهد بود. با این حال، نقش زنان در اقتصاد و سیاست عراق همچنان محدود است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختار جمعیتی عراق، تنوع قومیتی و مذهبی آن است. در عراق اقوام مختلفی چون اعراب (شیعه و سنی)، کردها، ترکمن‌ها و اقلیت‌های کوچک‌تری مانند آشوریان و ایزدی‌ها زندگی می‌کنند (Stansfield, 2003). این تنوع قومیتی باعث پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی زیادی در عراق شده و در فرآیند بازسازی نیز چالش‌های قابل توجهی ایجاد کرده است. این موضوع از آن جهت اهمیت بالایی دارد که توزیع گروه‌های مختلف قومی در عراق با توزیع نامتوازن منابع و امکانات زیستی جغرافیایی و اقتصادی - اجتماعی همپوشانی دارد. طوری که شیعیان اغلب در جنوب و مرکز غنی از منابع انرژی و مراکز صنعتی کشور، کردها در شمال غنی از منابع انرژی، آبی و اقلیمی کشور و سنی‌ها در مناطق مرکزی و غربی فقیر کشور زندگی می‌کنند (Dodge, 2012). این توزیع نابرابر گروه‌های قومی در عراق باعث تشدید اختلافات سیاسی و اجتماعی و افزایش نابرابری‌های سرزمینی در دسترسی به امکانات و خدمات زیستی می‌شود (Anderson & Stansfield, 2004). همچنین، در کشور عراق تشکلهای اجتماعی که معمولاً دارای ماهیتی سیاسی هستند در لایه‌های قومی و مذهبی خود را پیچیده‌اند. شیعیان و کردها معمولاً در لباس مذهب و قومیت ظاهر می‌شوند که این وضعیت ناشی از سرکوب‌های مذهبی و قومی در گذشته است. این قوم‌محوری مانعی جدی در مسیر ایجاد تفاهم ملی برای بازسازی عراق محسوب می‌شود. برای پر کردن شکاف‌های موجود، قانون اساسی عراق بعد از سقوط رژیم بعث به‌صورت فدرالیستی تدوین شده تا گروه‌های مختلف عراقی را به همگرایی و زندگی جمعی ترغیب کند. با این حال، فدرالیسم در عراق همچنان گرفتار کشمکش و زورآزمایی قدرت بین شکاف‌های قومی - مذهبی است و این موضوع باعث تضعیف شدید هم‌افزایی ملی برای بازسازی عراق می‌شود.

- تغییر اقلیم و چالش‌های زیست‌محیطی: تغییر اقلیم و چالش‌های زیست‌محیطی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در بازسازی عراق هستند. کاهش بارندگی، افزایش دما و خشک‌سالی‌های مکرر، تأثیرات مخربی بر منابع آبی و کشاورزی این کشور داشته است. علاوه بر تأثیرات گسترده در حوزه تولیدات کشاورزی، این تغییرات باعث مهاجرت‌های گسترده داخلی در عراق و افزایش فشار بر منابع طبیعی بوده است (Parker & Moore, 2007). از سوی دیگر، شکنندگی حکومت در عراق به‌طور فزاینده‌ای این کشور را در برابر تغییرات اقلیمی و کمبود آب آسیب‌پذیر کرده است. در حال حاضر تعداد روزهای با دمای بالای ۵۰ درجه در عراق افزایش یافته و خشک‌سالی‌ها طولانی‌تر و شدیدتر شده‌اند. شمال عراق که به‌طور سنتی سب‌دان کشور محسوب می‌شود، حالا به دلیل دیمی بودن ۹۰ درصد تولیدات کشاورزی، فرسودگی یا فقدان زیرساخت‌های آبیاری و نیز مهاجرت فزاینده کشاورزان با چالش‌های جدی روبه‌روست. همچنین، وابستگی به واردات غلات در کنار افزایش قیمت‌های جهانی مواد غذایی و کود، اثرات این موضوع را پررنگ‌تر کرده است. حکومت‌های مختلف همواره از نقش تغییرات اقلیمی و سدسازی‌های بالادست توسط ایران و ترکیه در تشدید مسائل آبی و اقلیمی عراق سخن گفته‌اند. با این حال، به نظر می‌رسد بیان این نکات اغلب برای انحراف افکار عمومی از ناکامی‌های حکومت در بهبود مدیریت آب و نوسازی زیرساخت‌های آبی و بخش کشاورزی صورت می‌گیرد. محمد السودانی، نخست‌وزیر عراق در مارس ۲۰۲۳ طرح جدیدی را برای جلوگیری از تغییرات اقلیمی و حفظ تنوع زیستی عراق معرفی کرد. این طرح در مورد اهداف مطلوبی سخن می‌گوید، ولی نکته کلیدی در اجرای آن پنهان است. در واقع مقامات جدید به‌راحتی طرح‌های قبلی را کنار می‌گذارند و از ابتکارات جدیدی سخن می‌گویند که این عدم تداوم یکی از بزرگ‌ترین موانع اصلاحات و بازسازی عراق محسوب می‌شود (Fazil & Tartir, 2023).

– **چالش‌های توپوگرافی جغرافیایی:** جغرافیای عراق از دشت‌های مرکزی و جنوبی، مناطق کوهستانی شمال و مناطق بیابانی غرب کشور شکل گرفته است (O’Leary, 2002) که هر یک با ویژگی‌های خاصی در فرآیند بازسازی تأثیرگذار هستند. دشت‌های مرکزی و جنوبی به دلیل وجود آب‌های دجله و فرات و خاک‌های حاصلخیز از ظرفیت بالای کشاورزی و اقتصادی و ایجاد زیرساخت‌های آبیاری برخوردار هستند. با این حال، مدیریت ضعیف منابع آب و وقوع خشک‌سالی‌های مکرر این موضوع را تا حدود زیادی به چالش کشیده است (Adriansen, 2016) که برای بازسازی عراق لازم است مدیریت منابع آب و بهبود شرایط محیطی در این مناطق مورد توجه ویژه قرار گیرد. شمال عراق که شامل بخش‌هایی از اقلیم کردستان است دارای توپوگرافی کوهستانی و غنی از منابع طبیعی است. این حوزه از نظر ژئوپلیتیکی و اقتصادی اهمیت بالایی دارد، ولی به دلیل ویژگی‌های طبیعی و توپوگرافی خود، با چالش‌هایی در بازسازی و گسترش زیرساخت‌های ارتباطاتی-مواصلاتی همراه است. همچنین، همپوشانی اختلافات قومی و مذهبی با عوارض جغرافیایی و کوهستانی شمال عراق، چالش‌های بازسازی را در این مناطق تشدید کرده و آن‌ها را با مسائل اجتماعی و سیاسی گره زده است (Stansfield, 2003). بیابان‌های غربی نیز از نظر زیستی و اقتصادی، یکی از کم‌تراکم‌ترین مناطق عراق هستند. این مناطق به دلیل شرایط سخت زیستی و کمبود منابع آبی، از لحاظ بازسازی در ضعیف‌ترین وضعیت موجود قرار دارند (Klare, 2001).

– **چالش‌های حوزه انرژی:** عراق در کنار فرصت‌های زیادی که برای استفاده از منابع انرژی خود دارد، با چالش‌های جدی نیز روبرو است. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات این حوزه، فساد گسترده در نهادهای دولتی و فقدان مدیریت شفاف در بخش انرژی است (Dodge, 2020) که باعث شده بسیاری از پروژه‌های بازسازی با تأخیر مواجه شوند و بهره‌وری از منابع انرژی کشور کاهش یابد. در حوزه انرژی، دیگر چالش مهم این کشور در استفاده از منابع غنی انرژی با تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق برای ارتباط‌گیری تجاری با بازارهای جهانی انرژی خصوصاً از طریق خلیج فارس ارتباط دارد. کل سواحل عراق در خلیج فارس حدود ۸۰ کیلومتر است که این امر از نظر استراتژیکی باعث تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی کشور و وابستگی آن برای ارسال منابع انرژی خود به موقعیت مواصلاتی کشورهای همجوار می‌شود. از سوی دیگر، بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی در برخی مناطق عراق، مانع از جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش انرژی شده است. حضور گروه‌های مسلح و تروریستی، به‌ویژه در مناطق شمالی و غربی کشور، امنیت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی را تهدید می‌کند که برای رفع این مشکلات، عراق نیازمند اصلاحات سیاسی، کاهش فساد و تقویت امنیت داخلی است.

– **چالش ناکارآمدی دولت در عراق:** عراق در طول تاریخ معاصر خود از ساختارهای متفاوت دولت عبور کرده که به‌راحتی می‌توان بازتاب عمیق هر کدام را در وضعیت کنونی و نیازهای بازسازی آن مشاهده کرد. از دوران پادشاهی و استعمار بریتانیا تا ظهور رژیم بعث و در نهایت دوران فعلی، ساختار دولت عراق همواره تغییر کرده است. این تغییرات بر توزیع قدرت، شکل‌گیری هویت ملی، و چالش‌های قومی و مذهبی تأثیر گذاشته‌اند و درک آن‌ها برای تدوین استراتژی‌های بازسازی ضروری است (Dodge, 2012). دولت مدرن عراق در سال ۱۹۲۱ به‌صورت یک پادشاهی تحت حمایت بریتانیا تأسیس شد و تا حدود زیادی بر محوریت سیاست‌های استعماری و تقسیمات عشیره‌ای و قومی شکل گرفت. پادشاهی عراق تلاش می‌کرد تا با تلفیق اقوام مختلف کشور، یک هویت ملی واحد ایجاد کند، اما این فرآیند به‌طور کامل موفق نبود و منجر به شکل‌گیری اختلافات قومی و مذهبی شد که هنوز هم ادامه دارند (Stansfield, 2003). این دوره خصوصاً به دلیل نفوذ خارجی و تسلط بریتانیا بر سیاست‌ها و اقتصاد عراق اهمیت دارد. با سقوط پادشاهی در سال ۱۹۵۸، عراق به یک جمهوری تبدیل شد. این دوره شاهد ناپایداری‌های سیاسی فراوان و کودتاهای مکرر بود که در نهایت منجر به روی کار آمدن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ شد. صدام حسین از سال ۱۹۷۹ با در اختیار گرفتن کامل قدرت، یک دولت دیکتاتوری با تمرکز شدید قدرت و سرکوب اقلیت‌های قومی و مذهبی شکل داد (Dodge, 2012). ساختار متمرکز دولت بعث بر محوریت وفاداری‌های عشیره‌ای و حزبی عمل می‌کرد. این دولت، خصوصاً با تأکید بر ناسیونالیسم عربی، به تشدید تنش‌های قومی و مذهبی در کشور دامن زد. با سقوط رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳ و

حمله نظامی ایالات متحده به عراق، ساختار دولت به‌طور کامل تغییر کرد. آمریکا و متحدانش تلاش کردند دولتی دموکراتیک و فدرال بر محوریت تقسیم قدرت بین اقوام و مذاهب مختلف در عراق ایجاد کنند. با این حال، نحوه اداره روند دولت‌سازی و مداخلات بیرونی باعث ظهور چالش‌های زیادی همچون ظهور گروه‌های تروریستی، تنش‌های قومی و مذهبی و فساد گسترده در دستگاه‌های دولتی شد. در این روند جدید یکی از مهم‌ترین تحولات ساختار دولت، تصویب قانون اساسی جدید عراق در سال ۲۰۰۵ و تأسیس یک نظام فدرالی بود. این نظام، عراق را به مناطق خودمختار مختلف تقسیم کرده است که هر کدام به اقوام و مذاهب خاصی اختصاص دارد. برای مثال، کردستان عراق دارای خودمختاری وسیعی است و مناطق جنوبی کشور بیشتر تحت کنترل شیعیان قرار دارند (Anderson & Stansfield, 2004). این فدرالیسم هرچند به توزیع قدرت کمک می‌کند، ولی همچنان مشکلاتی را همچون نابرابری در تخصیص منابع و رقابت بین گروه‌های قومی و مذهبی ایجاد کرده است.

– **ضعف نهادسازی و تقویت دولت مرکزی:** دولت اصلی‌ترین نهاد مدیریت کشور است و در کنار هدایت و نظارت بر بازسازی فیزیکی زیرساخت‌های کشور، وظیفه دارد با اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، زمینه‌های لازم برای بازگشت به ثبات و رونق اقتصادی را فراهم کند. با این حال، دولت جدید عراق از ضعف‌های جدی در فرآیند نهادسازی و تقویت دولت مرکزی در بخش‌های اداری و اجرایی رنج می‌برد و فساد گسترده، ضعف در اجرای قانون و ناتوانی در تأمین امنیت داخلی از مشکلات اساسی دولت جدید عراق هستند که فرآیند بازسازی کشور را دشوار کرده‌اند. در عراق ضعف نهادهای دولتی و در نتیجه فقدان ثبات سیاسی، توانایی دولت برای مدیریت بحران‌های سیاسی و اجتماعی و هدایت فرآیند بازسازی را سلب کرده است. به همین دلیل، یکی از اولویت‌های اصلی دولت عراق برای هدایت مؤثر بازسازی کشور تقویت نهادهای دولتی و اصلاحات سیاسی است (Dodge, 2020). تقویت نهادهای دولتی شامل اصلاحات در ساختار حکومتی، بهبود کارآمدی دستگاه‌های اجرایی و افزایش شفافیت و پاسخگویی است. یکی از مهم‌ترین اصلاحات سیاسی موردنیاز، کاهش فساد در سطح دستگاه‌های دولتی و تقویت حاکمیت قانون است. برای این منظور، دولت عراق باید نهادهای نظارتی مستقل ایجاد کرده و نهادهای قضایی و اجرایی خود را طوری اصلاح کند که بر فرآیند بازسازی نظارت مؤثر و از سوءاستفاده‌های مالی و فساد جلوگیری کنند (Al-Khatteeb & Mako, 2021). همچنین، دولت مرکزی باید در جهت تقویت روابط خود با استان‌ها و مناطق مختلف کشور گام بردارد. در طول سال‌های اخیر، تنش‌های میان دولت مرکزی و اقلیم کردستان عراق پیرامون صادرات انرژی و درآمدهای مرتبط، مانع از پیشرفت بازسازی شده است. تقویت نهادهای دولتی و ایجاد هماهنگی بیشتر میان دولت مرکزی و مناطق مختلف کشور می‌تواند به بهبود شرایط برای بازسازی کمک کند (Romano, 2014).

– **چالش فساد و بوروکراسی:** بر اساس گزارش‌های بین‌المللی، فساد در تمامی سطوح دولتی عراق نفوذ کرده و به یکی از مشکلات ساختاری این کشور تبدیل شده است. این فساد گسترده در کنار هدررفت منابع و امکانات مالی دولت، موجب کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تأخیر یا ناکارآمدی در پروژه‌های بازسازی می‌شود (Brown, 2022). فساد گسترده در عراق اغلب از سیستم بوروکراتیک پیچیده و عدم شفافیت در فرآیندهای دولتی ناشی می‌شود. بسیاری از مقامات دولتی از منابع عمومی برای منافع شخصی استفاده می‌کنند و گاهی طرح‌های بازسازی به دلیل تخصیص نامناسب منابع و سوء مدیریت با شکست مواجه می‌شوند. برای مثال، بازسازی زیرساخت‌های شهری که نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان هستند، بارها به دلیل فساد و تأخیر در اختصاص بودجه به نتیجه نرسیده‌اند (Ibid). برای گذر از چالش‌های فوق، دولت عراق نیازمند اجرای اصلاحات ساختاری برای کاهش فساد و بوروکراسی است که یکی از راهکارهای آن، استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای افزایش شفافیت در فرآیندهای دولتی است. همچنین، ایجاد نهادهای نظارتی مستقل و تقویت رسانه‌های آزاد می‌تواند باعث افزایش نظارت بر عملکرد دولت و کاهش فساد شود. یکی دیگر از نقش‌های کلیدی دولت در فرآیند بازسازی، تسهیل در بروکراسی مالی و اقتصادی برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی است. اقتصاد عراق وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی دارد و در زمان کاهش قیمت نفت، دولت با مشکلات جدی در تأمین بودجه طرح‌های بازسازی مواجه می‌شود. به همین دلیل، تنوع‌بخشی به اقتصاد و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از سیاست‌های کلیدی دولت عراق در این حوزه، ایجاد تسهیلات

و اصلاحات قانونی برای تسهیل سرمایه گذاری خارجی است. در سال های اخیر، دولت عراق با ایجاد مناطق آزاد تجاری و تصویب قوانینی برای حمایت از سرمایه گذاران خارجی تلاش کرده است محیطی امن تر و جذاب تر برای سرمایه گذاری ایجاد کند. با این حال، فساد گسترده و عدم ثبات سیاسی همچنان موانع بزرگی برای جذب سرمایه گذاران خارجی محسوب می شوند. دولت عراق باید سیاست های مالی مناسبی برای تخصیص بهتر و تضمین منابع مالی پایدار برای طرح های بازسازی مانند ایجاد یک صندوق ویژه برای مدیریت درآمدهای نفتی و استفاده از منابع فوق برای سرمایه گذاری در زیرساخت های عمومی و بازسازی کشور اتخاذ کند. همچنین، دولت باید با اجرای سیاست های مالی انقباضی و کاهش بدهی های عمومی، از بحران های مالی احتمالی جلوگیری کند. این سیاست ها می تواند به افزایش اعتماد بین المللی به اقتصاد عراق و افزایش رتبه اعتباری این کشور کمک کند که در نهایت به جذب سرمایه گذاری های بیشتر منجر خواهد شد.

مهم ترین فرصت های بازسازی عراق

– **موقعیت ژئوپلیتیکی و اهمیت ژئواستراتژیکی عراق:** عراق یکی از کشورهای کلیدی خاورمیانه است که موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خاصی دارد و نمی توان اثرگذاری عمیق آن را بر سیاست های کشورهای همجوار و جهانی را انکار کرد. این کشور در کنار منابع غنی نفتی، به دلیل همجواری با چندین کشور مهم و قرار گرفتن در مسیر ترانزیت جهانی جزو نقاط محوری در معادلات ژئوپلیتیکی جهان محسوب می شود. عراق با وسعتی حدود ۴۳۸،۳۱۷ کیلومتر مربع در همجواری و احاطه کشورهای ایران، کویت، عربستان، اردن، سوریه و ترکیه قرار دارد. این موقعیت جغرافیایی مرکزی در حصار کشورهای همجوار باعث شده است این کشور محصور در خشکی از موقعیت مهمی در ترانزیت خارجی برخوردار شود (IEA, 2019). در واقع عراق در موقعیت گذرگاهی استراتژیکی میان مناطق و کشورهای مختلف خاورمیانه قرار دارد. از این نظر این کشور می تواند نقش کلیدی در زنجیره ترانزیت انرژی، خصوصاً انتقال نفت و گاز از کشورهای خلیج فارس به بازارهای اروپایی ایفا کند. به همین دلیل، بازسازی عراق می تواند در تأمین انرژی جهانی و کاهش وابستگی به مسیرهای ترانزیتی سنتی بسیار تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر، عراق به دلیل قرار گرفتن در میان مناطق ژئوپلیتیکی مهم خاورمیانه، آسیای مرکزی و دریای مدیترانه نقش یک گذرگاه استراتژیکی را میان شرق و غرب ایفا می کند. در واقع عراق به دلیل موقعیت جغرافیایی خود می تواند به عنوان یک مرکز ترانزیتی کلیدی میان شرق و غرب عمل کند. این کشور از طریق مرزهای خود با ایران، ترکیه، اردن و سوریه، به عنوان یک گذرگاه استراتژیکی برای حمل و نقل کالاها و انرژی به اروپا و آسیا محسوب می شود. توسعه زیرساخت های حمل و نقل و ترانزیت در عراق می تواند فرصت های اقتصادی جدیدی برای این کشور و همچنین سایر کشورهای همجوار و غیرهمجوار فراهم کند. همچنین، با توسعه این بخش، عراق می تواند به عنوان یک مرکز لجستیکی برای تجارت بین المللی عمل کند. کشورهایی مانند چین، که به دنبال تقویت روابط اقتصادی خود با خاورمیانه هستند، می توانند از طریق سرمایه گذاری در پروژه های ترانزیتی عراق، از این کشور به عنوان پلی برای دسترسی به بازارهای اروپا و آفریقا استفاده کنند. به علاوه، توسعه پروژه های حمل و نقل و لجستیک در عراق می تواند به جذب سرمایه گذاری های بیشتر و افزایش تجارت منطقه ای و بین المللی منجر شود (Friedman, 2020).

– **توازن قدرت های منطقه ای:** موقعیت جغرافیایی عراق باعث شده تا این کشور به میدان رقابت قدرت های منطقه ای و همجوار تبدیل شود. از یک سو، ایران به عنوان همسایه ای قدرتمند و دارای پیوندهای تاریخی، مذهبی و فرهنگی با عراق، به دنبال حفظ نفوذ خود در این کشور است. ایران پس از سرنگونی صدام حسین، نفوذ سیاسی، اقتصادی و امنیتی گسترده ای در عراق به دست آورده است. ایران بازسازی عراق را فرصتی مناسب برای تقویت این روابط و ایجاد حوزه نفوذ در مقابل کشورهای عربی و ایالات متحده می بیند (Dodge, 2020). ایران از طریق حمایت از گروه های شبه نظامی شیعه در عراق و همکاری های اقتصادی، به دنبال گسترش نفوذ خود در این کشور است. از سوی دیگر، کشورهای عربی، خصوصاً عربستان سعودی، عراق را در موقعیت یک کشور حائل در مقابل نفوذ ایران می بینند و به دنبال کاهش نفوذ ایران در این کشور هستند.

(Mansour & Salisbury, 2019). در واقع بازسازی عراق برای عربستان سعودی به معنای فرصت برای ایجاد توازن در برابر نفوذ فزاینده ایران است. این کشورها با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بازسازی و حمایت از دولت‌های متمایل به خود، به دنبال کاهش تأثیر ایران و افزایش قدرت خود در عراق هستند. ترکیه نیز که جزو بازیگران مهم منطقه‌ای محسوب می‌شود منافع خود را در بازسازی عراق پیگیری می‌کند. منابع آبی رودخانه‌های دجله و فرات از مهم‌ترین موضوعات روابط طرفین است. ترکیه به راحتی قادر است از این منابع برای اعمال فشار بر عراق و تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خود خصوصاً در مناطق شمالی این کشور استفاده کند (Muradov & Köse, 2020). از سوی دیگر، ترکیه خواهان مهار نفوذ کردها در عراق است، زیرا افزایش قدرت کردها در شمال عراق می‌تواند الهام‌بخش کردهای ترکیه و ایجاد بی‌ثباتی در این کشور شود.

– **امنیت انرژی جهانی:** از نظر ژئوپلیتیکی، عامل دیگری که بازسازی عراق را توجیه می‌کند، منابع سرشار انرژی نفت است که در این کشور قرار گرفته است. برآوردهای موجود نشان می‌دهد کشور عراق در فهرست ۵ کشور غنی نفتی جهان قرار دارد. این موضوع از نظر روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک انرژی اهمیت بالای کشور عراق را در تأمین امنیت انرژی جهانی نشان می‌دهد و هم‌زمان بر قابلیت تأثیرگذاری بسیار بالای نوع و کارکرد سیاست خارجی این کشور بر امنیت و ثبات جریان جهانی انرژی تأکید دارد. لذا عراق به دلیل داشتن منابع بزرگ نفتی و گازی، نقشی حیاتی در تأمین انرژی جهانی ایفا می‌کند. بسیاری از کشورها، خصوصاً قدرت‌های غربی به تأمین انرژی از عراق به عنوان راه‌حلی برای کاهش وابستگی به منابع انرژی ناپایدار مانند روسیه نگاه می‌کنند. همچنین برای کشورهای غربی، سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز عراق به عنوان راهی برای کاهش وابستگی به منابع انرژی ناپایدار مانند روسیه تلقی می‌شود. از این رو، امنیت تولید و صادرات نفت عراق به عنوان یک موضوع استراتژیکی در سطح جهانی محسوب می‌شود (Simon & Stevenson, 2021). همچنین، افزایش تولید و صادرات نفت عراق می‌تواند نقش کلیدی در تأمین انرژی جهانی ایفا کند، به‌ویژه در شرایطی که بازار نفت به دلیل تحریم‌های اعمال‌شده علیه کشورهای دیگر با کمبود مواجه است. با توجه به اهمیت منابع انرژی در اقتصاد جهانی، بازسازی عراق و افزایش تولید نفت این کشور می‌تواند نقش مهمی در تأمین پایدار انرژی ایفا کند. شرکت‌های بین‌المللی نفتی و کشورهای مصرف‌کننده انرژی مانند چین و هند، می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های نفتی عراق به تأمین منابع انرژی پایدار دست یابند.

– **مبارزه با تروریسم:** عراق در حال حاضر یکی از کلیدهای اصلی مبارزه با تروریسم در خاورمیانه شناخته می‌شود. بازسازی عراق از طریق تقویت دولت مرکزی و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور می‌تواند به کاهش نفوذ گروه‌های تروریستی و بازیگران غیردولتی کمک کند (Stanford, 2020). همچنین، کشورهای همجوار مانند ایران، ترکیه و عربستان سعودی به دلیل نگرانی‌های امنیتی خود در مورد گسترش تروریسم، به دنبال نقش‌آفرینی در بازسازی عراق و همکاری‌های امنیتی با دولت این کشور هستند. از سوی دیگر، قدرت‌های جهانی مانند ایالات متحده و اتحادیه اروپا نیز برای جلوگیری از بازگشت گروه‌های تروریستی به عراق در این فرآیند مشارکت دارند. همکاری‌های موجود حتی می‌تواند به تقویت روابط بین‌المللی و بهبود امنیت منطقه‌ای کمک کند (Al-Tamimi, 2019). عراق پس از سقوط رژیم صدام حسین و ظهور گروه‌های تروریستی مانند داعش، به یکی از مراکز مهم مبارزه با تروریسم در جهان تبدیل شد. موقعیت جغرافیایی عراق در قلب خاورمیانه باعث شده است این کشور به میدان جنگ برای گروه‌های تروریستی و قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی تبدیل شود. بنابراین، امنیت عراق و بازسازی این کشور یک عامل کلیدی در کاهش تهدیدات تروریستی جهانی و منطقه‌ای محسوب می‌شود (Stanford, 2020). از این رو، بازسازی عراق از منظر امنیت بین‌المللی نیز اهمیت دارد. ایجاد یک دولت مرکزی قوی و مشروع می‌تواند به کاهش تنش‌های قومی و مذهبی کمک کرده و ثبات داخلی را تقویت کند. همچنین، بازگشت ثبات به عراق می‌تواند به کاهش مهاجرت‌های غیرقانونی و ورود پناهنده‌های عراقی به اروپا و کشورهای دیگر کمک کند که یکی از چالش‌های مهم سیاست خارجی کشورهای اروپایی محسوب می‌شود (Malmvig, 2019).

– **مدیریت مسائل زیست‌محیطی:** همان‌طور که در چالش‌های بازسازی عراق مورد بحث قرار گرفت کاهش بارندگی، افزایش دما و خشک‌سالی‌های مکرر، تأثیرات مخربی بر منابع آبی و محیط زیست این کشور داشته است. علاوه بر تأثیرات گسترده در

حوزه تولیدات کشاورزی، این تغییرات باعث مهاجرت‌های گسترده داخلی در عراق و افزایش فشار بر منابع طبیعی و تولید گسترده ریزگردها بوده است (Parker & Moore, 2007) که بسیاری از این مسائل دارای بازتاب‌های برون مرزی هستند و حتی مشکلاتی را برای کشورهای همجوار ایجاد کرده‌اند. از سوی دیگر، شکنندگی حکومت در عراق به‌طور فزاینده‌ای این کشور را در برابر تغییرات اقلیمی و کمبود آب آسیب‌پذیر کرده است. در واقع بازسازی عراق می‌تواند به تمرکز قدرت و بسیج ظرفیت‌های مختلف نهادی و زیرساختی این کشور برای مدیریت ذخایر محدود آبی و مدیریت بهتر پدیده ریزگردها و نیز آمایش پایدار کشور و جلوگیری از مهاجرت‌های گسترده داخلی و خارجی کمک کند. یادآور می‌شود این کشور اخیراً برای مبارزه با پدیده ریزگردها پروژه کمربند سبز بغداد را با کمک بانک مرکزی و اتحادیه بانک‌های عراق تعریف کرده است که در عمل منابع اختصاصی برای این پروژه بسیار کم بود و کمک چندانی به حل موضوع نکرد.

ارتقای نقش بین‌المللی عراق: عراق علاوه بر کشورهای همجوار، برای قدرت‌های جهانی نیز اهمیت فزاینده‌ای دارد. پس از سقوط رژیم صدام حسین، ایالات متحده نقش مؤثری در بازسازی عراق و تأمین امنیت این کشور ایفا کرد. این کشور به دنبال ایجاد یک دولت دموکراتیک و باثبات در عراق بود تا در موقعیت متحدی در برابر تهدیدات همجوار مانند ایران و گروه‌های تروریستی عمل کند (Simon & Stevenson, 2021; Dodge, 2020). همچنین ایالات متحده به دنبال اطمینان از دسترسی پایدار به منابع نفتی عراق و ایجاد یک پایگاه نظامی و استراتژیکی در خاورمیانه است. چین نیز که یک قدرت در حال ظهور جهانی است، سعی دارد نفوذ خود را در عراق از طریق سرمایه‌گذاری‌های گسترده در بخش‌های انرژی و زیرساختی این کشور افزایش دهد. چین با امضای قراردادهای چند میلیارد دلاری با عراق، به دنبال تقویت روابط اقتصادی و همچنین تأمین نیازهای انرژی خود است. از سوی دیگر، عراق جزو نقاط کلیدی در طرح «کمربند و جاده» چین محسوب می‌شود که سرمایه‌گذاری‌های گسترده چین در این کشور به تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی بین‌المللی آن کمک می‌کند (Fulton, 2019). حتی می‌توان به حمایت چین از سرمایه‌گذاری در پروژه «راه توسعه» که بندر فاو عراق را به ترکیه وصل می‌کند که جایگاه بین‌المللی عراق را در ترانزیت جهانی به‌طور جدی ارتقاء خواهد بخشید. به‌طور کلی می‌توان گفت که بازسازی عراق علاوه بر توسعه داخلی و بهبود شرایط زندگی مردم این کشور، از دیدگاه ژئوپلیتیکی نیز اهمیت بسیاری برای این کشور دارد. با توجه به موقعیت استراتژیکی عراق در خاورمیانه و نقش آن در توازن قوا بین کشورهای همجوار، بازسازی این کشور می‌تواند به بهبود و ارتقای جایگاه و موقعیت ژئوپلیتیکی و بین‌المللی این کشور کمک کند.

فرصت‌های اقتصادی و تجاری: بازسازی عراق به دلیل نیاز گسترده به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های شهری، صنعتی و خدمات عمومی، فرصت‌های بسیار مناسبی را برای شرکت‌های بین‌المللی و اقتصادهای همجوار و جهانی فراهم کرده است. در واقع بخش‌های مختلفی از اقتصاد عراق همچون صنعت نفت و گاز، برق، آب و فاضلاب، حمل‌ونقل و بهداشت، نیازمند بازسازی و توسعه هستند (World Bank, 2018). این فرصت‌ها برای اقتصادهایی مانند چین که در پی گسترش نفوذ خود در خاورمیانه از طریق طرح «یک کمربند، یک جاده» است، اجازه می‌دهند تا با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کلیدی بازسازی، مناسبات اقتصادی و سیاسی خود با عراق را تقویت کنند (Fulton, 2019). برای کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز مشارکت در بازسازی عراق می‌تواند به تقویت روابط تجاری و اقتصادی منجر شود. همچنین، این همکاری‌ها می‌تواند به توسعه بازارهای جدید برای صادرات کالاها و خدمات فنی و مهندسی این کشورها کمک کند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری‌های کلان در بازسازی زیرساخت‌های عراق می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری در این کشور و بهبود شرایط اقتصادی داخلی کمک کرده و از افزایش مهاجرت غیرقانونی به کشورهای اروپایی جلوگیری کند (Malmvig, 2019). در میان کشورهای همجوار، پیمانکاران ترک بیشترین حضور را در بخش‌های زیربنایی عراق دارند و تاکنون نقش پررنگی در بازسازی عراق ایفا کرده‌اند. در حال حاضر عراق سومین کشور مهم برای پروژه‌های موفق پیمانکاران ترک در حوزه‌های ساخت‌وساز، حمل‌ونقل، انرژی و ساخت بیمارستان است. این کشور حتی در پروژه بزرگ «راه توسعه» که اهمیت بسیار بالایی برای اقتصاد عراق دارد، یک شریک قدرتمند و بخشی از این پروژه محسوب

می‌شود (Anadolu Ajansi, 2024). همچنین، گفته می‌شود دولت عراق در راستای بازسازی و نوسازی کشور و با هدف حل بحران مسکن قصد دارد ۱۵ شهر جدید در این کشور احداث کند (ECOIRAN, 2023). تصمیم جدید عراق این فرصت را برای کشورهای مختلف و همجوار خصوصاً شرکت‌های ایرانی به وجود آورده تا بتوانند در کنار رقبایی همچون شرکت‌های ترک خود را برای استفاده حداکثری از بازسازی عراق آماده کنند.

– **توسعه زیرساخت‌های نفت و گاز:** یکی از مهم‌ترین فرصت‌های پیش روی عراق در استفاده از منابع نفت و گاز برای بازسازی اقتصادی، افزایش تولید و بهره‌وری در صنعت نفت است. پس از سال‌ها جنگ و تحریم‌های بین‌المللی، زیرساخت‌های نفتی عراق نیازمند بازسازی و توسعه هستند. با افزایش سرمایه‌گذاری در بخش نفت، عراق می‌تواند ظرفیت تولید خود را به سطح قبل از جنگ بازگرداند و حتی آن را ارتقا دهد. طبق گزارش سازمان اوپک، عراق می‌تواند تا سال ۲۰۳۰ ظرفیت تولید نفت خود را به بیش از ۶ میلیون بشکه در روز افزایش دهد (OPEC, 2020). افزایش تولید نفت و صادرات آن می‌تواند درآمدهای ارزی دولت را افزایش دهد و این منابع مالی می‌توانند در پروژه‌های بازسازی زیرساخت‌های کشور، توسعه بخش‌های دیگر اقتصاد و بهبود خدمات عمومی مورد استفاده قرار گیرند. برای تحقق این امر، عراق به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در صنعت نفت و گاز نیاز دارد. کشورهای مختلف و شرکت‌های بین‌المللی نفتی می‌توانند با ورود به بازار انرژی عراق، نقش مهمی در بازسازی این کشور ایفا کنند (Friedman, 2020). یکی از مهم‌ترین چالش‌های عراق در سال‌های اخیر، کمبود برق و عدم تأمین پایدار انرژی برای مصارف خانگی و صنعتی بوده است (Jiyad, 2020). ولی عراق منابع گازی گسترده‌ای دارد و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تولید و انتقال گاز می‌تواند به تولید برق پایدار و کاهش وابستگی به واردات برق از کشورهای همجوار کمک کند. این امر علاوه بر کاهش هزینه‌های واردات، درآمدهای ارزی جدیدی برای دولت عراق به ارمغان می‌آورد (World Bank, 2018) و با کمک به حل بحران انرژی در کشور، می‌تواند باعث توسعه سایر بخش‌های اقتصادی شود. در حال حاضر عراق به گاز وارداتی از ایران نیاز دارد، ولی دولت به‌طور جدی سعی دارد به این واردات پایان دهد. برای مثال، دولت عراق در ۱۵ ژانویه ۲۰۲۵ اعلام کرد که به زودی توافقی را برای توسعه چهار میدان نفتی در کرکوک و کاهش گازسوزی با شرکت «بریتیش پترولیوم» نهایی خواهد کرد. این پروژه عظیم در شمال عراق شامل طرح‌هایی برای بازیابی گازسوزی با هدف افزایش تولید برق در کشور خواهد بود. با این حال، عراق به سرمایه‌گذاری‌های کلان در زیرساخت‌های تولید، پالایش و صادرات نفت نیاز دارد تا بتواند از ظرفیت کامل خود در این حوزه بهره‌برداری کند. در حال حاضر بیشتر نفت تولیدی عراق به‌صورت خام صادر می‌شود و این کشور از پالایشگاه‌های مدرن کافی برای تبدیل نفت خام به محصولات نهایی بهره‌مند نیست (Al-Khatteeb & Mako, 2021). در واقع عراق می‌تواند با سرمایه‌گذاری در پالایشگاه‌های نفتی و افزایش ظرفیت پالایش داخلی، به‌جای صادرات نفت خام، محصولات نفتی پالایش‌شده را صادر کند که دارای ارزش افزوده بیشتری هستند. این امر می‌تواند علاوه بر افزایش درآمدهای نفتی، باعث ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی پایدار در کشور شود. همچنین، عراق با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در حوزه پالایشگاه‌ها و صنایع پتروشیمی می‌تواند از منابع نفتی و گازی خود بهره‌وری بیشتری داشته باشد و وابستگی به صادرات نفت خام را کاهش دهد (IEA, 2019).

– **مشارکت در طرح‌های منطقه‌ای و بین‌المللی انرژی:** انرژی تأثیر عمده‌ای در روابط سیاسی بین کشورها دارد و از عناصر مهم قدرت در تعیین ماهیت روابط بین کشورها محسوب می‌شود. بارزترین ویژگی سیاست انرژی عراق، انعطاف‌پذیری گسترده آن در برابر بازارهای آسیایی، اروپایی و آمریکایی است. این امر به عراق نقشی متمایز در ایجاد روابط قوی با کشورهای جهان می‌دهد (Mahdi, 2023). از سوی دیگر، عراق به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، می‌تواند نقش مهمی در طرح‌های منطقه‌ای و بین‌المللی انرژی ایفا کند. این کشور می‌تواند به‌عنوان یک پل ارتباطی برای انتقال انرژی میان کشورهای خلیج فارس، ایران، ترکیه و اروپا عمل کند. توسعه خطوط لوله نفت و گاز از عراق به کشورهای همجوار، علاوه بر افزایش درآمدهای ترانزیتی، به تقویت روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای منطقه نیز کمک می‌کند (Friedman, 2020). علاوه بر این، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انتقال و صادرات نفت، از جمله خطوط لوله و بنادر صادراتی، می‌تواند به افزایش ظرفیت صادرات و کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل نفت کمک کند. عراق همچنین می‌تواند با پیوستن به پروژه‌های بین‌المللی مانند طرح «کمربند و جاده» چین، از

فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌های انرژی بهره‌مند شود. چین یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در عراق است که می‌تواند نقشی کلیدی در توسعه زیرساخت‌های نفت و گاز این کشور داشته باشد و از این طریق نفوذ خود را در خاورمیانه افزایش دهد (Fulton, 2019).

پیشنهادهای سیاستی برای ایران

پس از شکست داعش مقامات عراقی این عبارت را تکرار کردند که عراقی‌ها به نمایندگی از کل جهان با داعش با هزینه‌های سنگین جانانه جنگیدند، و بنابراین وظیفه اخلاقی جامعه بین‌المللی بود که در بازسازی عراق مشارکت کنند. کنفرانس بازسازی در فوریه ۲۰۱۸ در کویت برگزار شد و کمک‌کنندگان و سرمایه‌گذاران بالقوه را برای بحث در مورد تلاش‌ها برای بازسازی اقتصاد و زیرساخت‌های عراق، دعوت کرد. علی‌رغم حضور کمک‌کنندگان و شرکت‌های مهم بین‌المللی، مبلغ تعهد شده آن چیزی نبود که عراقی‌ها به آن امیدوار بودند. عراق تعهدات ۳۰ میلیارد دلاری را دریافت کرد اما تنها بخش کوچکی از آن کمک‌های بلاعوض بود. بیشتر تعهدات سرمایه‌گذاری و اعتبار بود. هر چند تا به امروز، بسیاری از وجوه تعهد شده نیز منتقل نشده است. برخی از کمک‌کنندگان به نگرانی در مورد سطوح بالای فساد دولتی اشاره کردند و خواستار شفافیت و پاسخگویی قابل‌اندازه‌گیری شدند، در حالی که برخی دیگر تعهدات خود را مشروط به اجازه نظارت بر مصرف وجوه خود کردند. در مجموع، نتیجه ناامیدکننده کنفرانس کویت، مناطق جنگ‌زده را در حالت پایدار غم و اندوه فرو برد. موصل، جایی که داعش خلافت خود را اعلام کرد، شاهد شدیدترین نبردها و آسیب‌های ویرانگر بود. به طوری که ویرانی در بسیاری از مناطق بخش تاریخی غربی شهر تا ۸۰ درصد بود. حتی در حال حاضر با گذشت چندین سال پس از آزادسازی، آوار در بسیاری از مناطق ویران شده برداشته نشده است. برای انجام این کار و برای آماده شدن برای پروژه‌های بازسازی عظیم، بودجه زیادی باید در دسترس قرار گیرد و تلاش‌های جدی برای حذف بقایای جنگ مانند بمب‌های منفجر نشده، مین‌های زمینی، و بمب‌های دست‌ساز و ... مورد نیاز است. از سوی دیگر، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بازسازی عراق با چالش‌های مختلفی چون چالش‌های زیرساختی و مالی، چالش‌های اجتماعی، چالش‌های سیاسی و امنیتی، چالش‌های الگوی پخش جمعیت، چالش‌های مهاجران داخلی و بازسازی اجتماعی کشور، چالش‌های ساختار جمعیتی عراق، تغییر اقلیم و چالش‌های زیست‌محیطی، چالش‌های توپوگرافی جغرافیایی، چالش‌های حوزه انرژی، چالش‌های ناکارآمدی دولت در عراق، ضعف نهادسازی و تقویت دولت مرکزی، چالش‌های فساد و بوروکراسی و غیره مواجه است و این موضوع تا حدود زیادی بازسازی این کشور را در آینده نزدیک غیرممکن می‌کند. در واقع بسیار بعید است که اگر درآمد عراق برای حفظ عملیات بازسازی کافی نباشد و چیزی برای سرمایه‌گذاری در بازسازی زیرساخت باقی نماند، شاهد پیشرفت قابل توجهی در بازسازی باشیم. ویرانه‌های شهرها و شهرهای کوچک در شش استان باید با ساختمان‌ها، جاده‌ها و پارک‌های جدید جایگزین شوند تا شکست داعش تثبیت شود، یا اینکه همچنان به عراقی‌ها یادآوری شود که آنچه در نبرد به دست آورده‌اند، در واقع یک پیروزی هولناک بوده است. اما بازسازی در عراق به چیزی بیش از بازسازی خانه‌ها، پل‌ها و جاده‌های ویران شده نیاز دارد. تلاش‌ها باید شامل بازسازی جامعه عراق نیز باشد. از جمله اولین تلفات درگیری‌های مسلحانه و گسترش خشونت، انسجام جمعی و همزیستی مسالمت‌آمیز میان گروه‌های قومی مختلف است. موارد موفق بسیاری از آمریکای لاتین، آفریقا و اروپا وجود دارد که در آن جوامع فصل‌های دردناک گذشته خود را به آینده‌ای منسجم تبدیل کردند. نیازی به گفتن نیست که آشتی یک الگوی کاملاً قابل‌انتقال نیست که بتواند برای هر جامعه‌ای کارساز باشد، اما هر تجربه دارای درس‌های خاصی است که می‌توان در هنگام تهیه پیش‌نویس برنامه آشتی محلی مورد توجه قرار داد. عراق همچنین باید از ادبیات گسترده در مورد مصالحه و روش‌های مختلف آشتی دادن جوامع در مناطق پس از جنگ بیاموزد. در میان ابعاد برجسته توسعه عراق در دهه آینده، توزیع جمعیتی و الگوهای رشد جمعیت آن خواهد بود. از چهل میلیون عراقی، شانزده میلیون (۴۰ درصد) زیر ۱۴ سال و هشت میلیون (۲۰ درصد) در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال قرار دارند. دولت عراق، با کمکی که می‌تواند از جامعه بین‌المللی دریافت کند، باید برای تبدیل این چالش جمعیتی به

فرصت سرمایه‌گذاری کند. برای رسیدن به این هدف، باید سرمایه‌گذاری هنگفتی در آموزش و پرورش همراه با اصلاحات جدی در آموزش و پرورش صورت گیرد تا فارغ‌التحصیلان را از کار در بخش دولتی به بخش خصوصی و طرح‌های کارآفرینی سوق دهد. ناتوانی در جذب این جمعیت جوان در یک سیستم آموزشی قوی و در نهایت، یک اقتصاد مرفه، آن‌ها را به زندگی پر از ناامیدی، خشونت، و جنایت - یا شاید تروریسم سوق خواهد داد. اما آموزش به‌تنهایی کافی نیست. باید برنامه‌های بعد از مدرسه وجود داشته باشد تا جوانان استعدادهای خود را بروز دهند و مهارت کسب کنند. یک معیار خوب از سرمایه‌گذاری در ترویج ورزش، هنر و سایر اشکال بیان خلاق می‌تواند آموزش را افزایش دهد و انرژی مردان و زنان جوان را به سمت فعالیت‌های سالم هدایت کند. در این میان، برای عراق مهم است که به همه جوامع خود دلیل معتبری برای اعتقاد به حاکمیت قانون ارائه دهد. اگرچه عراق معیار خوبی از استقلال قضایی دارد، اما اعتماد عمومی به اجرای جهانی قوانین بالا نیست. مصالحه یا پیمان‌های صلح‌آمیز ممکن است دولت را ملزم کند که پرونده‌های معلق علیه رهبران خاص را رد کند و آن‌ها را مجدداً در روند سیاسی ادغام کند. سیاستمداران و بوروکرات‌های سطح بالا با سرقت کلان‌داری‌های عمومی و طیف گسترده‌ای از جنایات سنگین فرار کرده‌اند، در حالی که جانی‌تکاران خرده‌پا مجازات سختی دریافت می‌کنند. حاکمیت قانون باید برای شخصیت‌های بانفوذ در جامعه عراق نیز قابل اجرا باشد. رهبران قبایل و سرسپردگان آن‌ها که تسلیحات سنگین انباشته می‌کنند و در پی منافع خصوصی خود درگیری‌هایی به سبک نظامی انجام می‌دهند باید مانند بقیه افراد جامعه مهار شوند و پاسخگو باشند. برخلاف دیگر کشورهای جنگ‌زده خاورمیانه و علی‌رغم اینکه عراق در چهار دهه متوالی در نوعی درگیری قرار داشت، ثابت کرده است انعطاف‌پذیری زیادی دارد. این کشور با منابع طبیعی و انسانی قابل توجه، ظرفیت بالایی برای رونق و توسعه دارد. با این حال، برای یک گذر و بازسازی موفق پس از جنگ، رهبران عراق به اراده‌ای قوی برای جمع‌شدن و رویارویی با چالش‌های فزاینده نیاز دارند. آن‌ها همچنین نیازمند راهنمایی و کمک‌های کشورهای همجوار و جامعه بین‌المللی هستند. عراق باید زندگی جدید سیاسی و اقتصادی خود را بر محوریت شفافیت و پاسخگویی و تضمین حکومتی فراگیر شکل دهد تا چالش‌های موجود را به فرصت تبدیل کند و از آن‌ها برای بازسازی کشور بهره بگیرد. منابع انرژی غنی، وجود مکان‌های مذهبی و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی عراق فرصت‌هایی هستند که می‌توانند به بازسازی و توسعه اقتصادی عراق کمک شایانی کنند. این منابع به عراق اجازه می‌دهند تا نقش محوری در تأمین انرژی بازارهای همجوار و حتی فراتر از آن ایفا کند و با جذب گردشگران مذهبی، اقتصاد محلی را رونق دهد. با این حال، چالش‌های جدی نیز وجود دارد. مشکلاتی همچون ضعف در دولت-ملت‌سازی، تأثیرات مخرب گروه‌های شبه‌نظامی و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، می‌توانند فرآیند بازسازی را به تأخیر اندازند. به‌ویژه، حضور قدرت‌های خارجی و تنش‌های سیاسی می‌تواند باعث بی‌ثباتی و کاهش جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی گردد. در زمینه نیازها و اولویت‌های بازسازی، عراق در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، زیرساختی و مالی به شدت نیازمند توجه و سرمایه‌گذاری است. نیاز به بازسازی مسکن، بهداشت و درمان و آموزش، به‌ویژه در مناطق آسیب‌دیده، ضروری است. همچنین، توجه به بخش‌های تولیدی نظیر کشاورزی و صنعت، و بهبود زیرساخت‌ها از جمله حمل‌ونقل و انرژی، از اولویت‌های اصلی عراق در این دوره محسوب می‌شود. به‌طور خلاصه، اگرچه عراق با چالش‌های قابل توجهی در زمینه بازسازی روبه‌رو است، اما اگر فرصت‌های ژئوپلیتیکی بازسازی عراق خصوصاً نقش این کشور در توازن‌سازی قدرت‌های منطقه‌ای، امنیت انرژی جهانی، مبارزه با تروریسم، مدیریت مسائل زیست‌محیطی، ارتقای نقش بین‌المللی عراق، فرصت‌های اقتصادی و تجاری با عراق، توسعه زیرساخت‌های نفت و گاز عراق و نیز مشارکت این کشور در طرح‌های منطقه‌ای و بین‌المللی انرژی به‌درستی مدیریت شوند، تا حدود زیادی می‌توان به تحقق یک آینده پایدار و بهتر برای این کشور امیدوار بود. در مجموع، در این تحقیق با توجه به تبیین و تحلیل‌های ژئوپلیتیکی از چالش‌ها و فرصت‌های بازسازی عراق می‌توان گفت که بازسازی عراق در ابعاد گسترده فیزیکی و زیرساختی و نیز اجتماعی و حاکمیتی نیازمند توجه و برنامه‌ریزی جدی است. میزان خسارات فیزیکی و اجتماعی جنگ‌ها و بی‌ثباتی‌های داخلی و خارجی به حدی گسترده است که بدون حمایت‌های کشورهای همجوار و بین‌المللی امکان بازسازی و بازگشت به ثبات واقعی در این کشور وجود ندارد. این موضوع را از دو جهت می‌توان ارزیابی کرد. از یک‌سو، بازسازی عراق در کنار التیام زخم‌های عمیق اقتصادی - اجتماعی و امنیتی عراق، می‌تواند به بزرگ‌ترین حفره

امنیتی و بی‌ثباتی خاورمیانه پایان بخشد - به‌طور طبیعی این موضوع برای کشورهای همجوار و خصوصاً ایران مطلوب‌ترین گزینه است (اگرچه برخی بازیگران هیچ وقت راضی به آن نخواهند بود و همواره در وضعیت‌های ناامن و ناپایدار به دنبال منافع خود هستند) و از سوی دیگر فرصت‌های مناسبی را برای تعمیق همکاری‌های جمعی و بین‌المللی برای هم‌افزایی اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی فراهم می‌کند. بدون شک عراق یکی از مهم‌ترین همسایگان جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. ایران با برخی از کشورهای همجوار همچون آذربایجان و افغانستان اشتراکات جغرافیایی، زبانی، فرهنگی و مذهبی فراوانی دارد، اما کشور عراق به علت اکثریت جمعیت شیعیان، طولانی‌ترین مرزهای بین‌المللی ایران، تاریخ، فرهنگ، سیاست، ژئوپلیتیک و امنیت برای ایران اهمیت بسیار بالایی دارد و به‌نوعی سرنوشت دو کشور به یکدیگر گره خورده است؛ طوری که هر شکلی از بی‌ثباتی، جنگ و بحران‌های انسانی به‌سادگی قابلیت سرایت به ایران را نیز دارد. از سوی دیگر، علایق ژئوپلیتیکی بازیگران مختلف به عراق باعث شده است که فرصت لازم برای این کشور فراهم آید تا با بهره‌برداری از موقعیت ژئوپلیتیکی خود و در چارچوب تعامل با بازیگران مختلف برای تأمین منافع ملی خود تلاش کند. در نتیجه یک رقابت گسترده میان بازیگران مختلف برای تعامل با دولت عراق شکل گرفته و صحنه سیاسی عراق به عرصه‌ای برای رقابت بازیگرانی تبدیل شده است که در موضوعات مختلف با یکدیگر اختلاف دارند و از منافع ملی متضادی در کشور عراق برخوردار هستند. در این فرایند هر بازیگری که از توانایی تأثیرگذاری بیشتری بر محیط سیاسی داخلی عراق برخوردار باشد فرصت آن را به دست خواهد آورد تا در میدان رقابت بازسازی عراق سطح بالاتری از منافع را برای خود تأمین کند. یکی از بازیگرانی که در عراق منافع راهبردی گسترده‌ای دارد جمهوری اسلامی ایران است. ایران به خاطر مجاورت جغرافیایی، موقعیت ژئوپلیتیکی و قدرت تأثیرگذاری عراق بر منافع و امنیت ایران، همواره نسبت به رخدادها و فرایندهای جاری در عراق حساس بوده است. اهمیت ژئوپلیتیکی عراق برای جمهوری اسلامی ایران حتی پس از سرنگونی صدام حسین بیشتر شد. در واقع بعد از حذف یکی از مهم‌ترین دشمنان جمهوری اسلامی ایران، افق‌های ژئوپلیتیکی جدیدی در مرزهای غربی ایران گشوده شد که فرصت لازم را برای تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران فراهم می‌کرد. ولی با وجود ظرفیت‌های فراوان برای حضور پررنگ ایران در بازسازی عراق، تاکنون به خاطر وجود موانع گوناگون مانند حضور قدرتمند رقبای خارجی، بی‌ثباتی سیاسی، بحران امنیتی، حرکت‌های اعتراضی، بحران‌های اقتصادی، شکاف‌های قومی و مذهبی، و همچنین اختلافات سیاسی میان نخبگان سیاسی این کشور فرصت مناسبی برای این کار فراهم نشده است. برای جلوگیری از اشباع جریان‌ناپذیر چالش‌های موجود و استفاده از فرصت‌های موجود، تجویزها و پیشنهادهای سیاستی زیر که مطابق با فهم کامل واقعیت‌های میدانی عراق است، می‌توانند برای حضور قدرتمند ایران در بازسازی عراق و استفاده از فرصت‌های آن راهگشا باشند.

- به‌طور کلی ایران باید بازسازی عراق را یک فرصت تاریخی در همجواری خود ببیند که این فرصت را می‌توان در ابعاد مختلفی تبیین کرد. هرچند که ممکن است بازسازی عراق باعث ظهور مجدد عراق جدید در قامت یک رقیب و بازیگر قدرتمند در خاورمیانه و همجواری ایران شود. این اتفاق به خاطر قدرتمند بودن نوع نگرش ناسیونالیسم عربی در عراق دور از ذهن نیست. حضور قدرتمند ایران در میدان بازسازی عراق نیاز به هم‌افزایی و همکاری‌های سیاسی - اقتصادی با کل گروه‌های قومی و مذهبی و جریان‌های سیاسی در عراق دارد.

- از بعد امنیتی می‌توان بازسازی عراق و ایجاد یکپارچگی اجتماعی و سیاسی و شکل‌گیری حکومت فراگیر در این کشور را تضمین امنیت در گستره طولانی‌ترین مرزهای ایران با عراق تلقی نمود. حتی به‌نوعی می‌توان مرزهای ایران با عراق را بعد از مرزهای شرقی ناامن‌ترین مرزهای ایران برشمرد.

- از بعد اقتصادی می‌توان بازسازی عراق را یک فرصت تاریخی برای اقتصاد ایران در همجواری مرزهای غربی به حساب آورد. از یک سو دو کشور همجوار مهم‌ترین همسایگان یکدیگر هستند. طولانی‌ترین مرزهای ایران با عراق و طولانی‌ترین مرزهای عراق با ایران است و نیز پیوندهای فرهنگی عمیق دینی، مذهبی و زبانی بین دو کشور وجود دارد. از سوی دیگر اقتصاد ایران به‌شدت گرفتار تحریم‌های اقتصادی است و مترصد کوچک‌ترین فرصت‌های اقتصادی است و در مقابل بازار اقتصادی عراق چشم‌انتظار

سرمایه‌گذاری است. بنابراین، هرچند که در حال حاضر تحریم‌های اقتصادی برای تعاملات اقتصادی ایران با عراق مشکلات زیادی را ایجاد کرده است، ولی ایران نباید برای ورود و حضور قدرتمند در بازار گسترده عراق درنگ کند. از نظر اقتصادی، عراق شریک بسیار ارزشمندی برای ایران محسوب می‌شود و نقش حیاتی بازار آن را برای صادرات کالا، برق و گاز ایرانی نمی‌توان انکار کرد. در حال حاضر عراق با حدود ۹ میلیارد دلار واردات از ایران، دومین شریک صادراتی ایران محسوب می‌شود و همچنان مقصد جذابی برای سرمایه‌گذاری‌های ایرانیان است. حتی می‌توان گفت پس از تشدید تحریم‌های اقتصادی، عراق یکی از راه‌های نجات اقتصادی ایران بوده است.

– علی‌رغم تنگناها و محدودیت‌های اقتصادی ایران به خاطر تحریم‌های اقتصادی، ایران در میدان بازسازی عراق حق آب و گل دارد و حتی از دیدگاه تعلقات ژئواستراتژیکی می‌توان حق ایران را بسیار فراتر و متفاوت از سایر بازیگران همجوار و جهانی در نظر گرفت. در این هنگامه تاریخی، همزمان با یک تحول مثبت و گشایش در مسیر تعاملات اقتصادی ایران با جهان، استفاده از فرصت‌های بکر میدان بازسازی عراق می‌تواند تا حدود زیادی فرصت‌سوزی‌های اقتصادی ایران در طول سال‌های گذشته در نتیجه تحریم‌های اقتصادی را جبران کند و نفس تازه‌ای در اقتصاد ایران تزریق کند. عراق به دلیل خسارات شدید جنگی و ضعف در زیرساخت‌های تولیدی، وابستگی شدیدی به واردات کالاهای اساسی، محصولات صنعتی و خدمات فنی-مهندسی دارد. ایران، به خاطر همسایگی جغرافیایی و هزینه‌های حمل‌ونقل پایین، از مزیت رقابتی در این بازار برخوردار است. به‌ویژه در حوزه‌های مواد غذایی، مصالح ساختمانی، محصولات پتروشیمی، و انرژی، ایران تا حدودی توانسته است حضور خود را در بازار این کشور تثبیت کند.

– هرگونه درنگ جمهوری اسلامی ایران برای حضور قدرتمند در میدان بازسازی عراق، یعنی تحویل میدان ژئوپلیتیکی عراق به رقبای قدرتمند همجوار و جهانی. یادآور می‌شود وجود رقبای قدرتمند خارجی در میدان بازسازی عراق و تلاش آن‌ها برای ظرفیت‌سازی‌های ژئواستراتژیکی در عراق یکی از اصلی‌ترین چالش‌های ایران در بازسازی عراق محسوب می‌شود. یکی از اصلی‌ترین چالش‌های ایران در بازسازی عراق، رقابت ژئوپلیتیکی با عربستان سعودی است. هر دو کشور به دنبال گسترش حوزه نفوذ و قدرت خود در عراق هستند. ایران با اکثریت شیعیان عراق پیوندهای مذهبی و فرهنگی قوی دارد، و عربستان سعودی سعی دارد با نفوذ فرهنگی و اقتصادی خود نفوذ شیعی ایران را در عراق تضعیف کند. ترکیه و ایالات متحده نیز سعی دارند از طریق نفوذ اقتصادی و سیاسی خود پایگاه ژئواستراتژیکی خود را در عراق تقویت کنند.

– از بعد ژئوپلیتیکی می‌توان عراق را یک حائل استراتژیک برای ایران در برابر تهدیدات مختلف، خصوصاً از سوی گروه‌های افراطی سنی – مانند داعش – و تکفیری تلقی نمود. این کشور حتی در برابر هرگونه تهاجم نظامی یا فشارهای سیاسی از سوی قدرت‌های غربی، به‌ویژه ایالات متحده که حضور نظامی قابل‌توجهی در عراق دارد، نقش حفاظتی و دفاعی مهمی بر عهده دارد. همچنین، عراق را می‌توان سدی در برابر نفوذ کشورهای سنی‌نشین عرب و رقیب جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفت. از سوی دیگر، عراق در مرز استراتژیکی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات ناشی از اسرائیل قرار دارد. بنابراین بازسازی عراق را به‌نوعی می‌توان باز یافت قدرت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران در قلب خاورمیانه تلقی نمود که حضور قدرتمند ایران در این بازسازی باید کاملاً هوشمندانه و با تدبیرهای ژئواستراتژیکی و شناخت چالش‌های موجود همراه باشد.

– عراق همچنین فراتر از حوزه‌های امنیتی و اقتصادی، یک پلتفرم چندوجهی برای نفوذ و بازی‌گردانی ایران تلقی می‌شود. اشتراکات فرهنگی – مذهبی شیعیان برای هر دو ملت اهمیت بسیار بالایی دارد و عراق محل برخی از معتبرترین اماکن مذهبی شیعیان در جهان است. این موضوع عراق را به مرکزی جذاب برای زائران و گردشگری مذهبی ایرانیان تبدیل کرده است و به جمهوری اسلامی ایران این امکان را می‌دهد که در میدان بازسازی عراق و با استفاده از نفوذ مذهبی خود جایگاه و نفوذ اقتصادی خود را ارتقا دهد.

- نفوذ ایران در عراق فقط به حوزه مذهبی محدود نمی‌شود و در بُعد سیاسی نیز اهمیت دارد. از دیدگاه ژئوپلیتیکی عراق کشور بسیار مهمی برای ایران به شمار می‌رود و با توجه به نفوذ سیاسی و مذهبی جمهوری اسلامی ایران در عراق، بازسازی و قدرت گرفتن مجدد این کشور می‌تواند بازوی استراتژیکی غربی ایران را تقویت کند و بر گستره و قدرت نفوذ ایران در خاورمیانه، خصوصاً در جهان عرب بیفزاید.

- با این حال، جمهوری اسلامی ایران باید در کنار شناخت انواع چالش‌های موجود در میدان بازسازی عراق، با هوشمندی کامل از حساسیت‌های قومی و مذهبی و همچنین فشارهای دیپلماتیک و سیاسی بین‌المللی غفلت نکند. از یک‌سو، هرچند که جمهوری اسلامی ایران از نظر دینی با اکثریت شیعیان عراق روابط نزدیکی دارد، ولی در مناطق سنی‌نشین و کردستان عراق، حضور ایران با چالش‌های جدی مواجه است. برخی از گروه‌های سنی عراق، ایران را به دخالت مستقیم در امور داخلی این کشور متهم می‌کنند و حضور ایران را تهدیدی برای منافع قومی و مذهبی خود می‌دانند. یادآور می‌شود که ظهور داعش و کمک‌های ایران در مبارزه با این گروه، در مدتی موجب افزایش محبوبیت ایران در عراق شد. طبق گزارش مرکز مطالعات اداری و جامعه مدنی در سال ۲۰۱۷ حدود ۷۰ درصد مردم عراق نظرات مثبتی درباره ایران داشتند. ولی در سال ۲۰۲۰ این محبوبیت به ۱۵ درصد کاهش یافت. از سوی دیگر ایالات متحده و متحدانش همواره سعی کرده‌اند از طریق فشارهای تحریمی و دیپلماتیک خود از حضور ایران در بازسازی عراق بکاهند که نتایج آن را می‌توان در روابط سیاسی و همچنین روابط تجاری و اقتصادی ایران و عراق مشاهده کرد.

References

- Adriansen, H. K. (2006). The Iraqi Marshlands: Is Environmental Rehabilitation Possible?. In Papers and Proceedings of Applied Geography Conferences, Vol. 29, pp. 214-223.
- Adriansen, H. K. (2016). The Iraqi Marshlands: Political, Social, and Environmental Issues. Water Resources Management, 30(2), 331-347.
- Agnew, J. (2004). Geopolitics: Re-visioning world politics. Routledge.
- Alavaipou, S.M. (2009). Geopolitics of Iraq and Security in the Persian Gulf Region, Journal of Middle East Studies, 57(16), 105-122 [in Persian].
- Al-Hadithi, A., & Skelton, M. (2007). Urbanization in Iraq: Patterns and Implications. Middle Eastern Studies, 43(5), 731-748.
- Al-Khafaji, I. (2005). Infrastructure Challenges in Post-War Iraq. International Journal of Urban and Regional Research, 29(3), 617-630.
- Al-Khatteeb, L., & Mako, W. P. (2021). The future of Iraq: Post-ISIS challenges and opportunities. Brookings Institution Press.
- Al-Tamimi, A. J. (2019). The resurgence of ISIS in Iraq: Lessons for countering terrorism. Middle Eastern Studies, 55(5), 719-735.
- Anadolu Ajansi. (2024). Türkiye aims to reach \$20 billion in exports to Iraq through Development Road Project, <https://www.aa.com.tr/en/economy/turkiye-aims-to-reach-20-billion-in-exports-to-iraq-through-development-road-project/3197054>
- Anderson, L., & Stansfield, G. (2014). The Future of Iraq: Dictatorship, Democracy or Division?. St. Martin's Press.
- Beaumont, P. (2018). The Euphrates and Tigris: The struggle for water and the politics of the rivers. Middle Eastern Studies, 54(2), 321-340.
- Beehner, L. (2007). Iraq's Youth Bulge: A Major Challenge for Reconstruction. Council on Foreign Relations.
- Brown, D. (2022). Corruption and its impact on Iraq's reconstruction. Journal of Middle Eastern Studies, 58(1), 45-67.
- Cincota, R. P., Engelman, R., & Anastación, D. (2003). The security demographic population and civil conflict after the cold war. Defence Techninal Information System.
- Deudney, Daniel (March 2000). Geopolitics as Theory: Historical Security Materialism. European Journal of International Relations. 6 (1): 77-107. doi:10.1177/1354066100006001004.
- Dittmer, Jason; Sharp, Joanne P (2014). Geopolitics: an introductory reader. London; New York: Routledge. p. 64.
- Dodge, T. (2012). Iraq: From War to a New Authoritarianism. International Institute for Strategic Studies.
- ECOIRAN. (2023). Iran's Duel with Rivals in Iraq's Reconstruction; Turks Ahead. News Number 43882.
- Eriksson, J., & Khaleel, A. (Eds.). (2018). Iraq after ISIS: The challenges of post-war recovery. Springer.
- Evans, Graham (1998). The Penguin dictionary of international relations. Newnham, Jeffrey. London: Penguin Books.
- Fazil, S., & Tartir, A. (2023). Iraq in 2023: Challenges and prospects for peace and human security. Sipri. Available at: <https://www.sipri.org/commentary/topical-backgroundunder/2023/iraq-2023-challenges-and-prospects-peace-and-human-security>
- Fisk, R. (2016). The Destruction of Iraq: Gender and War in the Middle East. Middle Eastern Studies, 52(4), 521-534.
- Friedman, G. (2020). Geopolitical futures: Iraq's strategic importance in the Middle East. Geopolitical Futures. <https://geopoliticalfutures.com/iraq-strategic-importance/>
- Fulton, J. (2019). China's changing role in the Middle East. The Atlantic Council.
- Geopolitical Futures. (2024). Why Geopolitics Matters, <https://geopoliticalfutures.com/welcome/>
- Gogwilt, Christopher (2000). The fiction of geopolitics: afterimages of geopolitics, from Wilkie Collins to Alfred Hitchcock, 1860-1940. Stanford, Calif.; Cambridge: Stanford University Press; Cambridge University Press. Pp. 35-6.
- Ibrahim, R. (2014). The Impact of ISIS on Iraq's Population Distribution. International Journal of Middle East Studies, 46(3), 569-585.
- IEA. (2019). Iraq's Energy Sector: Challenges and Opportunities. IEA Press.
- IOM. (2020). Iraq- Displacement Report. International Organization for Migration.
- Ismael, J. S., & Ismael, S. T. (2015). The Iraqi Women's Movement: From Liberation to Crisis. Syracuse University Press.

31. Jabar, F. A. (2016). The Shi'ite Movement in Iraq. Saqi Books.
32. Jafari Valdani, A. (2010). Role of Geopolitical Bottlenecks of Iraq in Occupying Kuwait. *Geopolitics Quarterly*, 6(19), 45-69 [in Persian].
33. Jaffarinia, A., Sohrabi, S., & Faghani Heshmat Abad, S. (2023). Faw Grand Port, a New Code in Iraqi Geopolitics. *Geopolitics Quarterly*, 19(71), 358-381 [in Persian].
34. Kadhim, A. (2019). Rebuilding Iraq: Prospects and challenges. *The Cairo Review of Global Affairs*, (34), 64-69.
35. Kahl, C. H. (2006). States, scarcity, and civil strife in the developing world. Princeton University Press.
36. Klare, M. T. (2001). *Resource wars: The new landscape of global conflict*. Macmillan+ ORM.
37. Mahdi, Layth Salam. (2023). Iraqi Energy Policy in The Middle East: Development and Prospects. *Migration Letters*, 20(S1), 1032-1045.
38. Malmvig, H. (2019). The politics of migration in Iraq: Between identity and security. *European Council on Foreign Relations*. <https://ecfr.eu>
39. Mansour, R., & Salisbury, P. (2019). Iraq after ISIS: The challenges of post-conflict reconstruction. Chatham House Report.
40. Muradov, K., & Köse, T. (2020). Water security and geopolitics in Iraq. *Turkish Policy Quarterly*, 19(3), 123-134.
41. OPEC. (2020). Iraq. Organization of the Petroleum Exporting Countries. OPEC.
42. Parker, G. & Moore, H. (2007). Water Resources and Conflict in the Middle East: Assessing Climate Change Impacts. *Global Environmental Politics*, 7(3), 115-138.
43. Ratzel, F. (1897). *Politische Geographie*. Leipzig: Verlag von Duncker & Humblot.
44. Romano, D. (2014). Kurdish nationalism and conflict in post-Saddam Iraq. *Journal of Conflict Studies*, 34(2), 141-167.
45. Simon, S., & Stevenson, J. (2021). The long-term challenges of rebuilding Iraq. *Foreign Affairs*, 100(2), 42-55.
46. Smith, N. (2013). *Uneven development: Nature, capital, and the production of space*. University of Georgia Press.
47. Stanford, C. (2020). Counterterrorism strategies in post-ISIS Iraq. *Middle Eastern Studies*, 56(5), 678-696.
48. Stansfield, G. (2003). *Iraq: People, History, Politics*. Polity Press.
49. UNDP. (2017). Iraq: Social and Economic Situation Report. United Nations Development Programme.
50. UNHCR. (2019). Iraq: Internally Displaced Persons Report. United Nations High Commissioner for Refugees.
51. World Bank. (2018). Iraq: Reconstruction & Investment. World Bank.
52. World Bank. (2020). Iraq Economic Monitor: Navigating in Turbulent Times—Striving for Resilience. World Bank.
- 53.